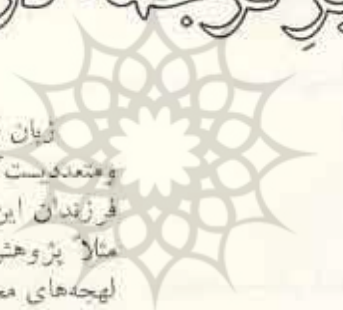


فصل اول
مقدمه

در این فصل به بررسی اهمیت زبان فارسی در دنیای امروز می‌پردازیم. این زبان نه تنها یکی از زبان‌های باستانی و کهن است، بلکه به دلیل گستردگی و نفوذ تاریخی، امروزه به یک زبان بین‌المللی و علمی تبدیل شده است. در ادامه به بررسی نقش زبان فارسی در فرهنگ و ادبیات ایران و همچنین در عرصه‌های علمی و فناوری خواهیم پرداخت.

تأثیر ترجمه در زبان فارسی



زبان فارسی دارای جنبه‌ها و جلوه‌های متنوع و متعددیست که پژوهش دربارهٔ آنها برای فرزندان این مرز و بوم وظیفه‌ایست حتمی و لازم. مثلاً پژوهش دربارهٔ زبانهای ایرانی پیش از اسلام لهجه‌های محلی، زبان دری کهن و آثار متعددی که از آن باقی مانده است و همچنین تحقیق دربارهٔ زبان فارسی معاصر، بر ما فرض است ولی آنچه بیش از همه مورد نیاز است فارسی معاصر است و چون فارسی معاصر و آینده تحت تأثیر ترجمه از زبانهای اروپایی قرار دارد و خواهد داشت به نظر من مهمترین مسأله زبان فارسی برای ما ترجمه است و سایر مسائل ایران از قبیل تصحیح متون قدیم و زبانهای پیش از اسلام در درجه دوم اهمیت قرار دارد، یکی از معایب کار دانشگاهها و معلمان ادبیات اینست که بدین مسأله حیاتی یعنی فارسی معاصر و ترجمه، توجه لازم نکرده‌اند و در نتیجه زبان امروز ما تحت تأثیر ترجمه‌های بد و ناقص قرار گرفته است که دهه

پژوهشگاه علوم انسانی
رتال جامع علوم انسانی

در این فصل به بررسی اهمیت زبان فارسی در دنیای امروز می‌پردازیم. این زبان نه تنها یکی از زبان‌های باستانی و کهن است، بلکه به دلیل گستردگی و نفوذ تاریخی، امروزه به یک زبان بین‌المللی و علمی تبدیل شده است. در ادامه به بررسی نقش زبان فارسی در فرهنگ و ادبیات ایران و همچنین در عرصه‌های علمی و فناوری خواهیم پرداخت.

بخصوص که بعضی از اصطلاحات و تعبیرات ترجمه‌ای خود نوعی قرض و عاریه‌اند که می‌توان آنها را عناصر قرضی ترجمه‌ای نامید مانند بسیاری از تعبیرات علمی و ادبی و هنری و روزنامه‌ای که وارد زبان ما شده‌اند. عناصری از قبیل: ابراز امید کردن، ابراز یأس کردن، ابراز نگرانی کردن، روانشناسی، جامعه‌شناسی و غیره. بنابراین این تعبیرات هم جنبه قرضی و عاریه‌ای دارند، هم جنبه ترجمه.

هرچه زبانی از لحاظ علمی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی غنی‌تر و قوی‌تر باشد به زبانهای دیگر لغت و مفاهیم بیشتری قرض و عاریه می‌دهد و هرچه ملتی از نظر علمی و فنی و اقتصادی و معنوی و سیاسی به کشور

اصطلاح ترجمه‌ای نامناسب حاصل است. اصطلاحاتی چون: قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه، فوق‌الذکر، اتخاذ تدابیر لازم و دهها مانند آن.

مسئله ترجمه و اخذ تعبیرات ترجمه‌ای و لغات بیگانه خود زاینده برخورد زبانها با یکدیگر است و برخورد زبانها باهم نیز حاصل برخورد فرهنگها با یکدیگر است و این برخورد و پیوند فرهنگها و زبانها باهم یکی از عوامل پیشرفت اجتماعات و علوم و فنون و معارفست و امریست کاملاً طبیعی و ناگزیر زیرا هیچ زبان و فرهنگی نیست که تحت تأثیر زبان و فرهنگهای دیگر قرار نگرفته باشد.

حاصل جریان طبیعی برخورد فرهنگها و زبانها باهم یکی ورود لغات زبانیست به زبان دیگر به‌عین لفظ که زبانشناسان آنرا عاریه یا قرض^۱ می‌گویند و دیگر مسئله مهم ترجمه است به این سبب زبانشناسی جدید برای این دو موضوع اهمیت فراوانی قائل شده است و در این زمینه بحثهای بسیاری کرده است

۱ - عاریه یا قرض یا وام را در اصطلاح زبانشناسی در فرانسه Emprunt و در انگلیسی Borrowing می‌گویند.

تأثیر ترجمه عربی درواژگان و دستور فارسی

الف - تأثیر عربی درواژگان فارسی - بسیاری از لغات و تعبیرات و ترکیبات زبان فارسی ترجمه از عربی هستند مانند مرد ره ، رونده ، سالک ، رهرو که همه ترجمه سالک عربی به معنی غارفند .

تو ، زخوک خویش اگر آگه نه‌ای
سخت معذوری که مرد ره نه‌ای
(منطق‌الطیر)

آمد افسوس کنان مغیبه باده فروش
گفت بیدارشو ، ای رهرو خواب آلوده
(حافظ)

تنی چند از روندگان متفق سیاحت بودند (گلستان) .
ترسا ترجمه راهب :

دختری ترسا و روحانی صفت
در ره روح‌اللهش صد معرفت
(منطق‌الطیر)

دختر رز ترجمه بنت‌العنب و ابنة‌الکرم و ابنة‌عنقود:
علالی به صوت نامی و عود
والقیانسی دم ابنة‌عنقود
(ابن معتر)

مرا سجده‌گه ، بیت بنت‌العنب به
که از بیت ام‌القری می‌گریزم
(خاقانی)

دیگر بیشتر احتیاج داشته باشد از آن نیز بیشتر لغت و مفهوم عاریه و قرض می‌کند به همین سبب امروز لغات و مفاهیم اروپائی که زبان صنعت و فن و علوم و معارف جدید است بیش از هرزبانی وارد زبان کشورهای کوچکتر و نیازمندتر می‌شود تا جایی که زبان روسی که خود نیز از زبانهای علمی و صنعتی و فنی دنیاست و به نوبه خود در زبانهای دیگر تأثیر می‌کند ، از این نفوذ در امان نمانده است .

باری این جریان طبیعی یعنی هجوم لغات و مفاهیم جدید کشورهای پیشرفته به زبان ممالک کوچک و در حال پیشرفت مسأله‌ای ایجاد می‌کند که به سه صورت حل می‌شود : ۱ - گرفتن لغات خارجی به معین لفظ ۲ - ترجمه ۳ - راه بین‌بین یعنی هم ترجمه و هم گرفتن لغات .

اینک ما در این مقاله که بر پایه ده هزار یادداشت است تأثیر ترجمه را از زمانهای بسیار قدیم تا کنون در زبان فارسی بررسی می‌کنیم . پیش از این بررسی باید این نکته‌ی مهم را یادآوری کنیم که هرزبانی دارای دو دستگاه مهم است یکی دستگاه واژگان که شامل عناصر نامحدود است که به این سبب آنرا از طبقه باز زبان می‌گویند . دیگر دستگاه دستوری که شامل عناصر محدود است ، عناصری از قبیل پسوندها و پیشوندها ، ضمایر و حروف و بعضی از صفات ؛ به این سبب آنرا طبقه بسته زبان می‌نامند .

ترجمه هم بر دستگاه واژگان زبان فارسی تأثیر کرده است و هم بر دستگاه دستوری آن . ما در اینجا تأثیر ترجمه از زبانهای عربی و فرانسه و انگلیسی در زبان فارسی را بررسی می‌کنیم .

دوستان دختر رز توبه ز مستوری کرد
 شد سوی محتسب و کار به مستوری کرد
 (حافظ)

یگانه زمانه ترجمه وحیدالعصر :
 یگانه زمانه شدتی ولیکن
 نشد هیچکس از زمانه یگانه
 (ناصر خسرو)

قصه برداشتن ترجمه رفع القصة (به معنی گزارش دادن) :

حاجت برداشتن ترجمه رفع الحاجة :

صاحب غرضی قصه به سلطان ابراهیم برداشت
 (چهار مقاله ص ۷۱ چاپ دکتر معین)
 داستان زدن ترجمه ضرب المثل :
 خدای را شرم باز ندارد که بزند داستانی
 (ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۴۲ چاپ یغمائی)
 در ترجمه ان الله لا یستحیی ان یضرب مثلاً (سوره
 البقره آیه ۲۶) .
 بر رغم ترجمه علی رغم .

به صدر باز تو بردارم از جهان حاجت
 اگر به یک لب نان باشد و به یک دم آب
 (سوزنی)

لیک محضر ترجمه حسن المحضر :

دو کس چه کنند از بی خاص و عام
 یکی لیک محضر دگر زشت نام
 و از همین قبیله است :

ابر هر زمان پیش روی آسمان بندد نقاب
 آسمان بر رغم او از بوستان ظاهر شود
 (منوچهری)

آفتاب گردان	ترجمه	دوار الشمس
دوست گرفتن	ترجمه	اتخاذ الولی
روزگار مرد	ترجمه	رجل زمانه
روی آوردن	ترجمه	توجه
چشم بر هم زدن	ترجمه	طرقه العین
فریاد خواستن	ترجمه	استغاثه
خنک نوبتی	ترجمه	فرس النوبة
جو انمردی	ترجمه	فتوة
به تن خویش	ترجمه	بنفسه
به نفس خویش	ترجمه	بنفسه
دامن به کمر زدن	ترجمه	تشمیر

گرفتن به معنی مجازات کردن ترجمه اخذ عربی
 به همان معنی (اخذ بنده) :

یازب مگیرش ارچه دل چون کبوترم
 افکند و کشت و حرمت صید حرم نداشت
 (حافظ)

چشم خروس ترجمه عين الديك :

لب از لب چو چشم خروس ابلهی بود
 برداشتن به گفته بیهوده خروس
 (سعدی)

کچه ترازو ترجمه کفة المیزان
 بنا بر این ترجمه بناء علیها^۳

مثال :

می خوانند آن را سزای خواندن (ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۱۰۱) در ترجمه «تلونه حق التلاوته» (سوره البقره آیه ۱۲۱) که در اینجا حق نایب مفعول مطلق و «تلاوة» مضاف الیه آنست. «حق التلاوته» چنانکه می بینیم در ترجمه تفسیر طبری «سزای خواندن» ترجمه شده در حالی که در کشف الاسرار «پی بردن به سزا» ترجمه گردیده است: «پی بردند به آن پی بردن به سزا» (کشف الاسرار ج ۱ ص ۳۳۳).

البته چنانکه دیده می شود این ترجمه ها تحت اللفظی است و عبارات ترجمه ای هم به سیاق فارسی نیست مثلا در اینجا کافی بود «حق التلاوته» «به سزا» ترجمه می گردید و عبارت چنین می شد: آن را به سزا می خوانند. برای دیدن اینگونه مثالها رجوع کنید به کشف الاسرار جلد ۷ ص ۴۲ س ۱۵ و ص ۱۹۹ و جلد ۱ ص ۳۲۰ و ۳۳۲:

در اشعار منوچهری و تاریخ بیهقی و التفهیم ابوریحان که متأثر از عربی هستند نیز مفعول مطلق به شیوه عربی و برخلاف سیاق جمله بندی فارسی دیده می شود:

فرود آور به درگاه وزیرم
 فرود آوردن اعی به باهل
 (منوچهری)

ببرند بریدن بر پشت کرده (التفهیم ص ۸۳)
 چاپ ۱۳۱۸ تصحیح همانی

بخشیده است بخشیدن راست (همان کتاب ص ۳۶۲).

بعضی از این گونه لغات و اصطلاحات که از عربی به فارسی برگردانده شده اند خود از یونانی و سریانی به عربی ترجمه شده اند مانند گاو زبان (لسان الثور)، زبان گنجشک (لسان العصفور)، خرس مهتر (دب اکبر)، خرس کهتر (دب اصغر)^۴

غنوده از پس او خرس مهتر
 چو بچه پیش او در، خرس کهتر
 (ویس و رامین)

ب - تأثیر دستوری ترجمه های عربی در فارسی
 ترجمه عربی در ساختمان دستوری بعضی از نوشته های فارسی نیز تأثیر کرده است و این تأثیرها در این موارد است:

۱ - بوجود آمدن مفعول مطلق به شیوه عربی - از اقسام مفعول مطلق عربی مفعول مطلق نوعی تحت تأثیر ترجمه در فارسی بکار رفته است و آن مصدریست که به تنهایی یا با متمم خود چگونگی وقوع فعل را بیان می نماید. بنا بر این نقش قید کیفیت را بازی می کند و از گروه های قیدی کیفیت بشمار می رود. در عربی این نوع مفعول مطلق فراوانست اما در فارسی چنین نیست و آنجا هم که بکار می رود بیشتر تحت تأثیر عربیست از همین رو در آثاری که از عربی ترجمه شده است بسیار است. و آشکار است که با ساختمان زبان فارسی چندان منطبق نیست.

غلامان را بفرمود تا بزدند، زدن سخت و قباش
پاره کردند (بیهقی ص ۱۶۳ تصحیح دکتر فیاض
و دکتر غنی) ۶.

در آثار غیرترجمه نیز به ندرت مفعول مطلق
نوعی بد چشم می خورد:

بخندیدند خندیدنی شاهوار
چنان کامد آوارش از چاهوار
(فردوسی)

قاصدان را بر عصایت دست نی
تو بخسب ای شه مبارک خنتنی
(مولوی)

نگه کرد رنجیده درمن فقیه
نگه کردن عاقل اندر سفیه
(سعدی)

امروز هم مفعول مطلق بکار می رود اما نه به شیوه
قدیم مانند: «خندید اما چه خندیدنی» و «رفت اهلوم انسان و نه افاضت و نه علم»
چه رفتنی» .

چنانکه دیده می شود امروز مفعول مطلق با جمع علمیه
«چه» و «اما» همراه است ۷.

بهر حال داوری درباره اینکه مفعول مطلق در
فارسی همیشه تحت تأثیر عربی بوجود آمده است
کار آسانی نیست اما شك نیست که در تفسیرها
و ترجمه‌های تحت‌اللفظی چنین است .

۲ - مفعول له بدون حرف اضافه - مفعول له
در عربی اسمی است که فعل برای آن واقع می شود

یا به عبارت دیگر غایت وقوع فعل است مانند «ضربته
تأدیبا» (اورا به منظور تأدیب زدم) این مفعول در
عربی گاهی بدون حرف جر می آید مانند مثالی که
دیدیم و گاهی هم با حرف جر «ل» همراه است ولی
در فارسی همواره با حرف اضافه یا گروه‌های اضافی
می آید یعنی با کلمات و گروه‌هایی از قبیل «برای» ،
«از برای» ، «از بهر» ، «به منظور» ، «به علت» ،
«به سبب» و غیره مگر آنجا که تحت تأثیر ترجمه
عربی باشد و حرف اضافه آن حذف گردد . مثال :
«کنند انگشتها اندر گوشه‌شان از صاعقه‌ها
ایم مرگ» (ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۲۱) در

۳ - برای دیدن اینگونه واژه‌ها و لغات و تعبیرات
ترجمه‌ای، به کتابهای تفسیر فارسی القرآن و به فرهنگ‌های
عربی به فارسی نگاه کنید . به کتابهایی از قبیل ترجمه
تفسیر طبری ، کشف الاسرار ، تفسیر ابوالفتح ، تفسیر
قرآن مجید (تصحیح دکتر متینی) ، مقدمه‌الادب زمخشری ،
المرقاة ادیب نظری ، تاج المصادر بیهقی ، ترجمان القرآن

۴ - برای دیدن اینگونه کلمات و تعبیرات به مقاله
«ترجمه از زیبایی به زبان دیگر» نوشته آقای محمد طباطبائی
در مجله وحید سال سوم شماره ششم رجوع کنید .

۵ - در عربی مفعول مطلق سه قسم است : ۱ - نوعی
۲ - غندی ۳ - تأکیدی .

۶ - برای دیدن مثالهای بیشتر به تاریخ بیهقی
صفحه‌های ۲۴ ، ۳۸ و ۴۲ و ۲۰۷ مصحح دکتر فیاض و دکتر
غنی رجوع کنید .

۷ - در زبان انگلیسی هم اصطلاحیست به نام
"The Cognate Object" که مفعول هریشه معنی
می‌دهد و یا مفعول مطلق منطبق است مانند :

او زندگی کرد زندگی درازی He lived long life

ترجمه آیه يجعلون اصابعهم في آذانهم من المواعق
حذر الموت (سوره بقره آیه ۱۹).

که «بیم مرگ» باید با «از» و یا با «به سبب»
همراه باشد همانطور که در کشف الاسرار چنین است.
«انگشتهای خود را در گوشها کنند از بیم آنکه»
صاعقه رسد به ایشان از بیم مرگ» (کشف الاسرار
ج ۱ ص ۷۶ در ترجمه همان آیه).

مثال دیگر :

و خداوند خوش را می خوانند بیم و امید
(کشف الاسرار ج ۷ ص ۵۲۹ س ۲۱ در ترجمه
«یدعون ربهم خوفاً وطمئناً» (سوره سجده آیه ۱۶).
به طوری که می بینیم «خوفاً وطمئناً» به جای
«از بیم و امید» «بیم و امید» ترجمه شده است.
مثال دیگر :

خواهد بیشتری از اهل کتاب اربازگرداندی
شمارا از پس ایمان شما کافری حسدی از تو دیک
تنهاشان (ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۹۹ س ۱۱).
در ترجمه «کثیر من اهل الكتاب لو یردونکم
من بعد ایمانکم حسداً من عند انفسهم» (سوره البقره
آیه ۱۰۹).

یادآوری - ضمناً مفعول‌له‌های عربی به همان
صورت اصلی خود در زبان فارسی نیز نفوذ کرده
و در آثار زبان ما بکار رفته‌اند مانند تیمناً ، تفنناً ،
تعمیماً ، توسعاً یعنی «برای تیمن» ، «برای تفنن» ،
«برای تعمیم» ، «برای توسع» :

«و بعضی از آنها تیمناً نگارش یافت» (مجمع
الفصحاء ج ۱ ص ۵۰ چاپ مصفا) .
«بعضی از نتایج افکار ابکارش تیمناً تحریر

شد (مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۵) .

«ولی تعمیماً للفائده تکرار آن را در این موضوع
خالی از فایده ندانستیم» (محمد قزوینی تعلیقات
چهار مقاله ص ۶ چاپ معین) .

«و این اصل معنی آن بوده پس از آن توسعاً
به معنی مطلق ناعه استعمال شده است» (ملک الشعرا
بهار ، نقل از سبک‌شناسی ج ۲ ص ۳۰۵) .

۳- مطابقت حال با صاحب حال - در فارسی
حال (قید حالت) برخلاف عربی با صاحب آن مطابقت
نمی‌کند اما در ترجمه تحت‌اللفظ از جمله‌های عربی
گاهی این مطابقت دیده می‌شود و پیداست که چنین
مورد استعمالی تحت تأثیر ترجمه بوجود آمده است.
مثال :

«به گراف در زمین مروید بدکاران» (کشف
الاسرار ج ۷ ص ۴۸۲) .

در ترجمه «لا تلعنوا فی الارض مفسدین» (آیه
۳۶ از سوره عنکبوت) . که «بدکاران» به معنی
«بدکارانه» و «بایدکاری» است که قید حالت است
و برخلاف سیاق عبارت فارسی است و به پیروی از
«مفسدین» عربی که حال است به صورت جمع آمده
است .

یادآوری - در فارسی غیر ترجمه هم به ندرت
مطابقت قید حالت با صاحب آن (فاعل یا مفعول) فعل
به چشم می‌خورد :

نشستند هر دو پیران پیشگان
شده تیره روز جنای پیشگان
(شاهنامه بروخیم ج ۱ ص ۹۴ س ۶۴۴)

«مستان» نیز در تاریخ بیهقی به صورت قید حالت جمع بسیار آمده است :

وسرهنگان و خلیتاشان و اصناف لشکرها بر آن خوان نشانند و شراب چون جوی آب روان شد چنانکه مستان بازگشتند (تاریخ بیهقی ص ۵۴۱ س ۹).

بعضی دیگر از عناصر دستوری فارسی نیز ترجمه تحت اللفظی عناصر دستوری عربی را از این قبیلند این عناصر :

ایعجب ترجمه یاللعجب و ایکاش ترجمه یالیت.

ایعجب این رنگ از بیرنگ خاست

موشی باموشی در جنگ خاست

(مولوی)

ای کاش که جای آرمیدن بودی

یا این ره دور را رسیدن بودی

(خیام)

شاید «ای دریغ» ترجمه «واحسرتاه» و «خوشا»

ترجمه «طوبی» باشد :

وگر نه ترجمه والا (وان لا) ست :

چو سائل از تو به زاری طلب کند چیزی

بده وگر نه ستمگر به زور بستاند

(سعدی)

بده دادمن زان لیانت وگر نه

سوی خواه خواهم شد از تو به گرزش

(خسروانی)

«هرگاه» : «هرآینه» - هرآینه در فارسی

قدیم قید تأکید بوده است و وقتی جواب هرگاه یا

چون یا اگر باشد و در آغاز جمله جزاء یا جمله جواب

شرط درآید، جنبه ترجمه‌ای داشته است زیرا در

عربی هم در این موارد «ل» (به معنی هرآینه) می‌آید،

بنابراین ترجمه از عربی نوعی ساختمان نحوی خاص

در فارسی بوجود آورده است :

هرگاه که متقی در کار این جهان تأملی کند

هرآینه مقابح آن را به نظر بصیرت بیند (منتخب

کلیله و دمنه ص ۴۵ س ۴).

و چون از لذات دنیا باچندان وخامت عاقبت

آرام نمی‌باشد هرآینه تلخی اندک که شیرینی بسیار

شیرت دهد به از شیرینی اندک کز تلخی بسیار زاید

(همان کتاب ص ۴۶ س ۱۶) .

و هر راز که نالشی در آن محرم نمی‌شود هرآینه

از اشاعت محزون ماند (همان کتاب ص ۲۵)

دل از جواهر مهرت چو صیقلی دارد

بود ز رنگ حوانت هرآینه محقول

(حافظ ص ۲۰۸ تصحیح قرینی)

معانی حروف اضافه فارسی تحت تأثیر ترجمه

عربی بسیار دیده شده است که مورد استعمال و معنی

حروف اضافه یک زبان از راه ترجمه به زبانی دیگر نفوذ

می‌کند و این امر موارد استعمال و معنی‌هایی بوجود

می‌آورد که قبلاً در زبان دوم نبوده است مانند استعمال

حرف اضافه «برای» پیش از اسمها و قیود زمان

۸ - از اینگونه مطالبه در کتابهای تفسیر فراوانست.

به مقاله نگارنده زیر عنوان «نشانه جمع و قید» در مجله

وحید سال دوم شماره اول رجوع کنید.

«و بر حکم فرمان عالی این چند فصل بر سبیل
اختصار نوشته آمد» (سیاستنامه ص ۵ س ۱۴
تصحیح عباس اقبال).

نگه کرد در ، نگریت در ترجمه نظر فیه : ساعتی
در خود نگر تا کیستی

نگه کرد رنجیده در من فقیه

نگه کردن عاقل اندر سقیه

(سعدی)

به رغم و بر رغم ترجمه علی رغم

به رغم مدعیانی که منع عشق کنند

جمال چهاره تو حجت موجه ماست

(حافظ قزوینی ص ۱۸)

و از این قبیل است :

در جمله ترجمه فی الجملة

تفضیل دلم چه یرسی ای جان جهان

از جمله ترجمه من جمله

بر فویر ترجمه علی الفور

سلام بر شما ترجمه سلام علیکم

تأثیرهای دیگر دستوری ترجمه عربی در فارسی :

الف - بعضی از عناصر دستوری ترجمه از

عربیند مانند : «اگر نه» که ترجمه «لولا» است :

گر نه عشق تو بُدی لعب فلک

هر رخی را فرسی داشتی

فارسی که تحت تأثیر زبانهای فرنگی بوجود آمده
است و مثلاً برای همیشه : ترجمه pour toujours
فرانسه و یا for ever انگلیسی است ، در حالی که
پیش از آن چنین مورد استعمالی در فارسی نبوده و
«به جای آن» تا جاودان ، جاودان و همیشه
می گفته اند .

بر طبق این قاعده بکار رفتن بسیاری از حروف
اضافه در جمله های فارسی مقتبس از عربیست و ممکن
است بر عکس این نیز باشد مانند :

بر عمیا ترجمه علی العمیا :

تو چون موری و این را هست همچون موی بت رویان
مرو زلفار بر تولید و بر تخمین و بر عمیا (سنائی) ،
در گذاشتن از ترجمه عنون :

«اکنون که توبه کردید از شما در گذاشتیم»
(تفسیر تربت جام) به جای شمارا عفو کردیم و شمارا
بخشودیم

بر سبیل ، ترجمه علی سبیل :

«والا علی سبیل الندرة، گلهای بویندم و دست
مالیده دیگران استشمام نکرده» (هر زبان نامه) و در
فارسی امروز هم داریم بر سبیل اتفاق ، بر سبیل تصادف ،
بر سبیل ندرت ، در قدیم نیز داریم : بر سبیل تعجیل
(منتخب کلیله و دمنه ص ۲۶ س ۱۱ از مرحوم
قریب) .

بر سبیل افترا (همان کتاب ص ۴۳ س ۱۳) ،
بر سبیل تطوع و تبرع (همان کتاب ص ۱۴۳) ،

با توجه به اینکه کلیله و دمنه فارسی ترجمه از
عربیست درستی فرض ما در مورد اینکه «بر سبیل»
ترجمه «علی سبیل ...» است ثابت می شود .

دیوان خاقانی ص ۶۷۵ تصحیح دکتر سجادی چاپ (۱۳۳۹)

«وگر» و «ور» به معنی اگرچه ممکنست ترجمه «وان» و «ولو» باشد و ممکنست نیز چنین نباشد زیرا در فارسی نیز «واگر» به معنی «اگرچه» وجود دارد.

چه خوش صید دلم کردی بنام چشم مستترا
که کس آهوی وحشی را از این خوشتر نمی گیرد
(حافظ)

مثال برای «تر» به معنی «ترین» :

«ویدان ای پسر که سرشت مردم چنان آمده
که تکاپوی کند تا از دنیا آنچه نصیب او آمده باشد
به گرامیتر کس خویش بماند و نصیب من از دنیا سخن
آمد و گرامیتر کس بر من تویی» (قابوسنامه ص ۳
تصحیح دکتر یوسفی) یعنی «گرامیترین کس خویش».

اگر چند از نامورتر تباری

وگر چند از بهترین خاندانی
(فرخی)

بعضی از ساختمانهای دستوری و همچنین برخی
از تعبیرات که در عربی و فارسی مانند یکدیگرند حاصل
ترجمه فارسی از عربی نیست مثلاً هم در عربی و هم
در فارسی میانه و هم در فارسی دری قدیم برای
موصوف جمع صفت جمع می آمده است :

به صفای دل رندان صوحی زدگان

پس در بسته به مفتاح دعا بگشایند^۱

(حافظ)

ور فریدون بود به نعمت و مال
بی هنر را به هیچکس م شمار
(سعدی)

ب - «هان ای» ترجمه «الایا»

الایا ایها الساقی ادر کاساً و ناو لها
که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکها
(حافظ)

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان
ایوان مداین را آینه عبرت دان (خاقانی)

صیغه افعال تفضیل در عربی هم معنی تفضیلی
دارد مانند هو افضل منك : او فاضلتر از توست .
و هم معنی عالی مانند «هو افضل الرجال» «او
فاضلترین مردانست» . «پسوند» تر در قدیم نیز در
فارسی چنین بوده است یعنی هم مثل امروز برای
تفضیل و به معنی تر می آمده است و هم به معنی «ترین»
بوده است و صفت عالی می ساخته است بنابراین کاری
شبهه به افعال تفضیل عربی می کرده است و معنی
«ترین» آن ممکنست تحت تأثیر ترجمه عربی بوجود
آمده باشد . مثال برای «تر» به معنی امروزی آن :

۹ - مانند : برای همیشه ، برای مدت یکسال .

10 - G. Lazard, la Langue de Plus Anciens Monuments de la Prose.

پاریس ، ۱۹۶۳ ، چاپ ، Persane, p. 197

برای دیدن شواهد بیشتر درباره مطالبه سفت و موصوف

به کتاب لازار بند ۱۵۵ و ۱۵۶ نگاه کنید .

بهر حال مشابهت اینگونه اصطلاحات در دو زبان همیشه بر اثر ترجمه نیست بلکه بسیاری از این موارد حاصل توارد است مانند: «نظر فیه عربی و to look at انگلیسی»، «درواقع فارسی و فی الواقع عربی و in fact انگلیسی و en réalité فرانسوی»، «فی الحقیقه عربی و در حقیقت فارسی و en verité فرانسوی»، «فی الاصل عربی و در اصل فارسی و in principe انگلیسی و en principe فرانسوی».

پهلویست بنابراین بدرستی معلوم نیست که بعضی از اصطلاحاتی که آوردیم تحت تأثیر ترجمه عربی بوجود آمده یا این که غیر مستقیم از پهلوی گرفته شده و یا اینکه ایرانیاتی که به عربی کتاب و رساله می نوشته اند آن اصطلاحات را از فارسی به عربی ترجمه کرده اند مثلاً ما در پهلوی و فارسی دری قدیم «اندر زمان» و در عربی «فی الحال» و در فارسی دری «در حال» و «در وقت» داریم اکنون این سؤال پیش می آید که آیا «فی الحال» تحت تأثیر «اندر زمان» پهلوی به وجود آمده یا در خود عربی هم اصلاً چنین اصطلاحی وجود داشته است و سرانجام معلوم نیست که «در حال» ترجمه مع الواسطه از پهلویست یا فقط ترجمه از عربیست و یا اصلاً ترکیبی است که ایرانیان تحت تأثیر اصطلاحاتی مانند «اندر زمان» ساخته اند. ناواری در این باره آسان نیست.

ضمناً اثر عربی تحت تأثیر پهلوی و بوسیله نویسندگان و مترجمان ایرانی نسب و پهلوی دانی چون ابن المقفع و عبد الحمید کاتب کمال یافت و مثلاً در سه قرن اول هجری کتابها و رسالات فراوانی از پهلوی به عربی ترجمه شد از آن جمله است کتاب التاج، کلیله و دمنه، نامه تنسر، گزارش شطرنج، لهراسب، نامه، آیین چوگان زدن، آیین تیراندازی، کتاب الاختلاج، کتاب الفال، کتاب زجر الفرس، بهرام دخت، سیرت اردشیر، ستور پزشکی و بسیاری دیگر. بنابراین اثر عربی متأثر از پهلویست و از سوی دیگر بسیاری از کتابهای فارسی از عربی ترجمه شده اند و بعضی دیگر از پهلوی به عربی و سپس از عربی به فارسی در آمده اند مانند کلیله و دمنه و سندباد نامه. از این رو تأثیر پهلوی در عربی و عربی در فارسی انکارناپذیر است باین ترتیب فارسی دری به دو صورت از پهلوی متأثر است یکی تأثیر مستقیم و از راه تحول زبان و ترجمه مستقیم از پهلوی به فارسی و بر اثر آنکه این دو زبان ایرانی هستند و دیگر تأثیر غیر مستقیم و بوسیله ترجمه از عربی که خود متأثر از

تأثیر ترجمه از زبانهای فرانسه و انگلیسی در زبان فارسی

تأثیر زبانهای فرنگی در زبان فارسی مربوط به صد و پنجاه سال اخیر است که روابط سیاسی و فرهنگی و علمی ایران با عمالک مغرب زمین توسعه یافته است و نفوذ زبان و ادبیات غرب بویژه زبان فرانسوی و انگلیسی در زبان فارسی رو بفرونی نهاده است و بسیاری از لغات و اصطلاحات فرنگی یا به عین لفظ و یا بتغییراتی وارد زبان ما شده مانند کمیسیون،

کمیت، شانس، کراوات، کت، والیبال، استکان، درشکه و یا ترجمه آنها در زبان ما رایج گردیده است مانند وحدت نظر، تبادل نظر، اتخاذ تدابیر لازم، تدای وجدان، تاج گل، نقطه نظر، دانشگاه، دانشکده، داسرا و صدها مانند آن^{۱۲}.

در میان زبانهای فرنگی در درجه اول زبان فرانسوی و پس از آن زبان انگلیسی، در فارسی نفوذ بیشتری داشته‌اند و کارما در این مقاله بحث دربارهٔ ویژگیهای کلمات و تعبیرات و ساختمانهای دستوری است که از این دو زبان ترجمه شده‌اند و قبلاً بدینسان در فارسی رایج نبوده‌اند. تأثیر ترجمه از انگلیسی و فرانسوی هم در واژگان فارسی بوده است و هم در دستور آن.

تأثیر ترجمه از زبانهای انگلیسی و فرانسوی در واژگان فارسی - بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات ترجمه‌ای را فرهنگستان سابق وضع کرده است و بوسیله نشریات و واژه‌نامه‌ها در دسترس مردم قرار داده است از این قبیلند: باشگاه (Club)، بایگانی (Archive)، باستانشناسی (Archéologie)، دانشکده (Faculté) و صدها نظیر آن.

بسیاری دیگر نیز بوسیله استادان، ترجمه‌گران و کارشناسان علوم و فنون که بازبان فرانسوی و انگلیسی آشنایی داشته‌اند به زبان فارسی برگردانده شده‌اند و گاه واژه‌نامه‌هایی از آنها ترتیب داده شده است^{۱۳}. خوشبختانه شماره این واژه‌نامه‌ها رو به فزونیست و بیگمان گردآوری این لغات و اصطلاحات و تعبیرات

و گذاشتن آنها در معرض افکار عمومی و یافتن معادل مناسب برای آنها از کارهای لازم و مفید برای زبان فارسی است و نگارنده نیز بسیاری از لغات و تعبیرات ترجمه‌ای را که جنبه فنی و تخصصی ندارند و در فرهنگهای یاد شده ضبط نشده‌اند و در نوشته‌های دیگر هم به نظر نرسیده‌اند گردآوری کرده است و قسمت کوچکی از آن را در مجله وحید (سال دوم شماره دوم و چهارم و پنجم و ششم سال ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴) به چاپ رسانیده است ولی قسمت اعظم آن که در دوسه سال اخیر و از روی روزنامه‌ها و کتابهای انگلیسی در امریکا تهیه شده باقیمانده است، متأسفانه حرف میم این اصطلاحات را یازده سال پیش به امر استاد معین در اختیار آن مرد بزرگ گذاشتم که در تنظیم فرهنگ فارسی آنها را بکار برد ولی از بد حادثه استاد برای مدت چند سال بحال اغما افتاد و سپس روی در نقاب خاک کشید و بعد از آن کسی نتوانست یادداشتهای پادشده را که بالغ بر چند صد

۱۱ - تاریخ ادبیات در ایران جلد اول ص ۱۴۴ تألیف دکتر مظفر
۱۲ - به واژه‌های نو فرهنگستان نگاه کنید.
۱۳ - از آن جمله است:

«مجموعه اصطلاحات علمی» چاپ دانشگاه تهران، فرهنگ حقوقی تألیف جعفر لنگرودی، فرهنگ بازرگانی تألیف ن. راست، فرهنگ فن‌فست به انگلیسی، فرانسه، آلمانی و فارسی از جلال‌الدین توانا، فرهنگ اصطلاحات کشاورزی از ابوالحسن گیبلی، فرهنگ حقوق از دکتر حسینی کاتبی.

Sincerely (۱)	Sincèrement (فر)	صمیمانه
Kindly (۱)	S'il vous plaît	لطفاً
Presenté à mon père	(فر)	تقدیم به پدرم ^{۱۵}
Birth-day	(۱)	زادروز
Birthdate	(۱)	تاریخ تولد
Birth place	(۱)	محل تولد
Bon voyage	(فر)	سفر بخیر
Good night	(۱)	شب بخیر
I am glad to see you		از دیدن شما خوشحالم
I see you later		بعداً شما را می بینم

برگه بود پیدا کند و به من بازگرداند و به این ترتیب این مجموعه ناقص ماند.

اصطلاحات و عباراتی که از زبانهای اروپایی به فارسی ترجمه شده اند قلمرو وسیعی دارند و در تمام شئون علمی و فرهنگی و اجتماعی و آداب و رسوم ما نفوذ کرده اند. ما از این اصطلاحات هنگام نوشتن، روزنامه خواندن، تعارف کردن بسیار می بینیم و بکار می بریم؛ این اصطلاحات نه تنها در کتابهای علمی و فنی و ادبی و سیاسی و اجتماعی و اداری به فراوانی وجود دارند بلکه این تعبيرات در آثار ادیبی مانند اقبال، همایی، دکتر صفا و زرین کوب نیز دیده می شوند و ما اینک این تعبيرات را بر حسب موضوع طبقه بندی می کنیم و از تعبيرات علمی و فنی و تخصصی فقط آنهایی را که در نشر عادی امروز رایج گردیده اند اینجا می آوریم.^{۱۴}

۲ - اصطلاحات مربوط به زندگی روزانه :

The medium wave		موج متوسط
The fire department	(۱)	اداره آتش نشانی
Arrêt interdit	(فر)	توقف ممنوع
Bus stop	(۱)	ایستگاه اتوبوس
The red light	(۱)	چراغ قرمز راهنمایی
The green light	(۱)	چراغ سبز راهنمایی
The yellow light	(۱)	چراغ زرد
The hand bag	(۱)	کیف دستی
The grocery store	(۱)	مغازه خواربار فروشی
Whole sale	(۱)	عمده فروشی
Public place	(۱)	اماکن عمومی
Medical care	(۱)	مراقبت پزشکی
Quel âge avez vous?	(فر)	چند سال داری

۱ - اصطلاحات مربوط به تعارفات روزانه و آداب و رسوم اجتماعی :

Merci	(۱)	متشکرم
Thank you	(۱)	
Excuse me	(۱)	ببخشید
Excusez moi	(فر)	
Les profonds remerciements	(فر)	تشکرات عمیق
My sincere thanks	(۱)	تشکرات صمیمانه
Have a nice day	(۱)	روز خوشی داشته باشید

۳ - بسیاری از اصطلاحات شاعرانه و ادبی
و هنری معاصر ترجمه از فرانسه یا انگلیسی است :

Modern poetry شعر نو

Vers libre (فر) Free verse (۱) شعر آزاد

Vers blanc شعر سفید

The essence of poetry جوهر شعر

Art for Art's sake هنر برای هنر

Recueil des poésies مجموعه شعر

Message poétique پیام شاعرانه

Innovation نوآوری

La poème épique شعر حماسی

La poème lyrique شعر غنایی

L'épopée nationale حماسه ملی

A work of literature کار ادبی ، اثر ادبی

Des oeuvres d'art کارهای هنری

Poet's experience تجربه شاعر ، آزمایش شاعر

Les productions littéraires محصولات ادبی

Contenent محتوی

Form قالب ، شکل

Les oeuvres littéraires آثار ادبی

La création littéraire آفرینش ادبی ، خلاقیت ادبی

Le roman d'amour داستان عشقی

Le roman policier داستان پلیسی

۱۴ - در این مقاله «الف» نشانه انگلیسی و «فر»
علامت فرانسه است.

۱۵ - این اصطلاح هنگامی به کار می‌رود که کسی
کتابی را که نوشته است ، به کسی پیشکش می‌کند.

سال تحصیلی جاری (۱) Current school year

سال تحصیلی (۱) School year

دانشگاه (فر) Université (۱) University

دانشکده (فر) Faculté (۱) Faculty

اینک اصطلاحات رایج دیگر که از راه ترجمه وارد
فارسی شده است :

بشت تلفن (۱) Over the telephone

بلندگو (۱) Loud speaker

نام خانوادگی (فر) Nom de famille

اسم اول (۱) The first name

اسم کوچک (فر) Petit nom

شماره حساب Account number

صلیب سرخ The Red Cross

باتقدیم احترامات فائمه

Assuring you of our highest esteem

چک سفید (۱) Blank cheque

دیروز عصر (فر) Heir soir

سفینه فضایی Space ship

روز عالی Wonderful day

و از این قبیل است : قلیق باری ، سلام گرم ،
زنگ اخبار ، قطار مسافری ، هواپیمای مسافری ،
وقت او محدود است ، زیباییهای طبیعت ، مناظر
عالی ، حق چاپ محفوظ ، جمیع حقوق طبع
محفوظ ، مشروبات الکلی ، وقت پیدا کردن ، کوی
دانشگاه ، ویزای خروج ، کشتی اقیانوس پیما .

The reason of existence عبات وجودی

ج - مثال برای اصطلاحات روانشناسی :

Uncouncious mind ضمیر ناخود آگاه

Inferiority complex عقده حقارت

Mental imbalance عدم تعادل روحی

Trial and error آزمایش و خطا

Social psychology روانشناسی اجتماعی

و از این قبیلست : تداعسی معانی ، تداعی آزاد ،

انعکاس شرطی ، حرکات ارادی ، حرکات غریزی ،

محرك ، پاسخ و صدها مانند آن .

د - مثال برای اصطلاحات زیست شناسی :

Struggle for existence تقاضع بقا

Missing link حلقه مفقوده

Colonne de vertebrale ستون فقرات

Poisson scie اره ماهی

ه - مثال برای اصطلاحات فیزیکی رایج :

A test tube لوله آزمایش

Poid net وزن خالص

Le champ magnatique میدان مغناطیسی

ز - مثال برای اصطلاحات ریاضی رایج :

Square millimeter میلیمتر مربع

Square meter متر مربع

Le héros de roman قهرمان داستان

Le héros fabuleux قهرمان افسانه‌ای

و از این قبیلند :

کمدی الهی ، عشق آتشین ، عشق افلاطونی ،

زیبایی طبیعی و دهها مانند آن .

ع - اصطلاحات علمی و فنی - اینگونه

اصطلاحات خود اقبامی دارند : یکی اصطلاحات

علمی محض مانند اصطلاحات شیمیایی و فیزیکی

و ریاضی و طبی و غیره و دیگر اصطلاحات و تعبیرات

مربوط به علوم انسانی مانند اصطلاحات روانشناسی ،

جامعه‌شناسی ، اقتصادی ، سیاسی ، اداری که بیشتر از

اصطلاحات دیگر بین مردم رایج شده‌اند و بسیاری

از آنها بصورت اصطلاحات روزانه و روزنامه‌ای

درآمده‌اند .

الف - مثال برای اصطلاحات اداری :

Assuming responsibility (ا) بعهده گرفتن

Assumer un responsabilité (فر) مسئولیت

Directeur Général (فر) مدیر کل

Director General (ا)

اظهار عدم رضایت کردن

To express dissatisfaction (ا)

Administration Générale (فر) اداره کل

ب - مثال برای اصطلاحات فلسفی :

La necessité logique (فر) لزوم منطقی

The logical necessity (ا)

ی - مثال برای اصطلاحات حقوقی :

The party to the crime	شریک جرم
The illegal procedure	اقدام غیر قانونی
A trial run	جریان محاکمه
The legitimate rights	حقوق قانونی
suspension order یا stay order	حکم تعلیق

ح - مثال برای اصطلاحات عام علمی و فنی
غیر تخصصی رایج :

Scientific technique	تکنیک علمی
Academy of Sciences	آکادمی علوم
Entasser des materiaux	گردآوری مواد

ط - مثال برای اصطلاحات نظامی :

ک - مثال برای اصطلاحات اقتصادی ترجمه‌ای :

Free market	بازار آزاد
Monetary policy	سیاست پولی
Financial help	کمک مالی
Economic crisis	بحران اقتصادی
Bank of commerce	بانک بازرگانی
The living standard یا The standard of living	سطح زندگی
The balance of payment	تبادل پرداختها
The savings account	حساب پس انداز
The fiscal year	سال مالی
Net worth	سود خالص
The prices control	کنترل قیمتها
Surplus value	ارزش اضافی

Un regiment entier	یک هنگ کامل
Military unit یا Armoured unit	واحد نظامی
Border incident	برخورد مرزی
Counter attack	حمله متقابل
Cease-fire line	خط آتش بس
Armed forces	نیروهای مسلح
Tank column	ستون تانک
The hand grenade	تاریخک دستی
A heavy toll	تلغات سنگین
Military confrontation	برخورد نظامی
The war of attrition	جنگ فرسایشی
The attrition-war	جنگ فرسایشی
Nuclear arsenal	زرادخانه اتمی

از این قبیلست : ستون منظم ، تخلیه سرزمینهای اشغالی ، برطرف کردن محاصره ، فشار نظامی ، ستونهای مسلح ، شکست قطعی ، افسر جزء ، زیر دریایی ، موشک اتمی ، موشک زمین به زمین ، موشک هوایرد ، منطقه بیطرف ، آماده باش ، آماده باش نظامی ، نقشه جنگی ، منابع نظامی و بسیاری دیگر .

م - اینک چند اصطلاح سیاسی ترجمه‌ای که در روزنامه‌های فارسی هم فراوان بکار می‌رود :

The peace among nations : صلح بین ملتها :

Exploiting classes	طبقات استثمارگر	دستی مسالمت آمیز
British imperialism	امپریالیسم بریتانیا	Peaceful coexistence (۱)
Labor camp	اردوی کار	coexistence pacifique (فر)
	محافل ارتجاع امپریالیستی	Rightist راست گرا - دست راستی
Circles of imperialist reaction		Leftist چپ گرا - دست چپی
Exporing revolution	ضدور انقلاب	Right wing جناح راست
Under ground journal	روزنامه زیر زمینی	Left wing جناح چپ
Counter revolutionary	ضد انقلاب	The liberation front جبهه آزادی
Class consciousness	شعور طبقاتی	Political prisoner زندانی سیاسی
Historical materialism	ماتریالیسم تاریخی	Nonaligned nations کشورهای غیر متعهد
Dialectical materialism	ماتریالیسم دیالکتیک	The secessionist movement جنبش تجزیه طلبانه
La classe dirigeante (فر)	طبقه حاکمه	Coalition government حکومت ائتلافی
The ruling class (۱)		Rebel troops دسته های شورشی

ص - اصطلاحات جغرافیائی :

Red Sea	دریای سرخ	National interest منافع ملی
Earth orbit	مدار زمین	The general strike اعتصاب عمومی
	قطار آبی ماهواره در مدار زمین	Break the strike شکستن اعتصاب
To put satellite into earth orbit		Close vote رأی مخفی
Moyen orient (فر)	خاور میانه	Les milieux sociaux محافل اجتماعی
Middle east (۱)		Des grandes puissances قدرتهای بزرگ
Extrême orient (فر)	خاور دور	
Far east (۱)		
Proche orient (فر)	خاور نزدیک	
Near east (۱)		

	اتحاد جماهیر شوروی	Super structure روی بنا
The union of socialist soviet republics (۱)		Class struggle مبارزه طبقاتی
Union sovietique (فر)	اتحاد شوروی (فر)	Progressive forces نیروهای ترقیخواه

The Achemenian period	دوره هخامنشی
	نیمه اول قرن هفدهم
La première moitié du XVIIe siècle	
Personnage historique	شخصیت تاریخی
Les gloires nationales	افتخارات ملی
La situation historique	موقعیت تاریخی
	قبر سرباز گمنام
Le tombeau du soldat inconnu	(فر)
Le soldat inconnu	(فر) سرباز گمنام
The unknown soldier	(ا)

The soviet union	(ا)
Cape of good hope	بماغه امید نیک
Common wealth countries	ممالک مشترک المنافع
Trans-caucasia	ماوراء قفقاز
	و از این قبیلست امریکای شمالی ، امریکای جنوبی ، آسیای جنوب شرقی ، امریکای مرکزی ، اقیانوس اطلس ، اقیانوس هند ، اقیانوس کبیر ، اقیانوس آرام ، قطب شمال ، قطب جنوب و دهها مانند آن .

ع - اصطلاحات تاریخی :

۵ - بسیاری از تعییرات و اصطلاحات ترجمه‌ای

که از غرب آمده‌اند اختصاص به علم و فن خاصی ندارند و در هیچ فرهنگ مصطلحاتی دیده نمی‌شوند و نگارنده هزاران برگه از این اصطلاحات را گردآوری کرده‌است و اهمیت اینها پیش از اصطلاحات علمی و فنی است زیرا آنها را می‌توان در کتابهای تخصصی هم پیدا کرد اما اینها چنین نیستند .

War of independence	جنگ استقلال (در امریکا)
La guerre mondiale	(فر) جنگ جهانی
World war	(ا)
	جنگ جهانی دوم (فر)
La seconde guerre mondiale	

جنگ جهانی اول

The first world war	(ا)
La première guerre mondiale	(فر)
The civil war	(ا)
La gurre civile	(فر)

دهه اخیر

Last decade	
In recent years	در سالهای اخیر
Historical precedents	سوابق تاریخی

دو قرن اول میلادی

The first two christian centuries	
-----------------------------------	--

اینک چند نمونه از این اصطلاحات :

Suitable reply	پاسخ مناسب
The near future	آینده نزدیک
Different levels	سطوح مختلف
At all levels	در تمام سطوح
The peace of mind	آرامش روحی
To feel sure	احساس اطمینان کردن
Under study	تحت مطالعه
En second lieu	در درجه دوم (فر)

معنی محدود Le sens étroit یا Le sens limité

معنی وسیع Le sens étendu

و بسیاری از گروه‌های فعلی و اضافی ترجمه‌ای که در این مقاله به آنها اشاره کرده‌ایم از این قبیلند مانند: اظهار امید کردن، ابراز احساسات کردن، ابراز یأس کردن، ابراز اشتیاق کردن و صدها مانند آن.

از او اثری در دست نیست - از او اثری پیدا نشده است
No trace of him has been found

فقط يك موضوع هست ، فقط يك چیز وجود دارد ،
تنها يك چیز باقی می‌ماند

There is just one thing

اگر درست بخاطر بیاورم

If I remember correctly

بخاطر نمی‌آورم ، بیاد نمی‌آورم که فارسی اصل آن
« یادم نیست » ، و « فراموش کرده‌ام » است :

I don't remember

نشان‌دهنده این است که . . .
It is indicative of the productivity of this verb

در شرایط خوب است ، در وضع خوب است

It is in good condition

وقت من اشغال شده است ،
این کار وقت زیادی می‌گیرد .

It takes a lot of time

۶ - بعضی از جمله‌هایی که امروزه کار می‌روند
به نظر می‌رسد از فرنگی ترجمه شده باشند:

I have an idea من يك پیشنهاد دارم

The danger is past خطر از سر ما گذشته است

Aussi n'est-il pas inutile خالی از فایده نیست
واضح است که . . . بدیهیست که

It is clear that (ا)

Il est clair que (فر)

این کاملاً طبیعی است
مانعی نیست ، هیچ مانعی ندارد

There is no obstacle to this

You are allowed شما اجازه دارید ، شما مجازید

No evidence existed مدرکی وجود نداشت

He has no reason هیچ دلیلی در دست ندارد

His time is limited وقت او محدود است

As we have said به طوری که گفتیم

چه کاری برای شما می‌توانم انجام دهم

What can I do for you

۷ - مجازها و تعبیرات ادبی ترجمه‌ای -

بسیاری از تعبیرات ادبی جنبه مجازی و استعاری
و ادبی دارند و ورود آنها به زبان ما موجب غنی
شدن جنبه‌های ادبی زبان فارسی نیز شده است از این
قبیلند :

The face of future چهره آینده

The wave of indignation and disgust موج نفرت و اعتراض

The wheel of history چرخ تاریخ

The wheel of history چرخ تاریخ

To break up the demonstration درهم شکستن تظاهر است

To break up the demonstration

To kneel before (زانو زدن در مقابل (تسلیم شدن)
 واز این قبیلند ، مثل قارچ رویدن ، درنطقه
 خفه کردن ، شکستن بن بست ، شکستن سکوت ، جناح
 راست ، جناح چپ ، روح پیمان ، کلید پیروزی ،
 درپشت صحنه ، زندگی سیاسی ، زندگی علمی ، نامه
 سرگشاده ، بدیدار مرگ شافتن ، انفجار جمعیت ،
 حقیقت وحشتناک ، روشن کردن افکار ، احساس
 امنیت ، موسیقی ملایم ، خواب طلایی ، موج اعتصاب ،
 حوادث قهرمانی و صدها مانند آن .

تأثیر دستوری ترجمه از فرانسه و انگلیسی در فارسی
 تأثیر ترجمه در واژگان زبان به مراتب بیشتر
 از تأثیر در ساختمان دستوری آنست زیرا ساختمان
 دستوری ستون فقرات زبانست و به سختی تغییر
 می کند . باین حال ترجمه گاهی در ساختمان دستوری
 زبان نیز تأثیر می کند و این تأثیر یا به صورت ظهور
 عناصر و اشکال تازه دستوریست و یا به شکل رواج
 صورت های نادر و کم استعمال زبانست و ما اکنون تأثیر
 دستوری زبانهای فرانسه و انگلیسی را در فارسی
 بررسی می کنیم :

ظهور عناصر و اشکال تازه دستوری تحت
 تأثیر ترجمه - این گونه عناصر عبارتند از :
 ۱ - عدد کسری ترجمه ای - قبل از آشنایی
 ما با زبانهای غربی عددهای کسری را از ترکیب يك
 عدد اصلی با يك می ساختیم مانند : چهار يك ، پنج
 يك و غیره ولی تحت تأثیر ترجمه نوع تازه ای عدد
 کسری وارد زبان ما شده است که از ترکیب يك عدد
 اصلی و يك عدد ترتیبی بوجود می آید مانند :

از مجراهای سیاسی

Through diplomatic channels

People ranks

صفوف مردم

Giantic

غول آسا

Deep interest

علاقه عمیق

Warm relations

روابط گرم

غوطه ور شدن در بحرانی جدی

To be plunged into a serious crisis

To open fire

آتش کشیدن

A regim of terror

حکومت وحشت

The glorious death

مرگ افتخار آمیز

بزرگترین شاهکار طبیعت

Nature's greatest masterpiece

The balance of terror

تعادل وحشت

Open mind

فکر باز

The world scene

صحنه جهانی

Nourrir votre esprit

تغذیه روح

La liste noire

لیست سیاه

Siècle d'or

قرن طلایی

Un coup fatal

ضربه نهایی

Passion ardente

عشق آتشین

Sensibilité blessé

احساسات جریحه دار شده

Eveiller un sentiment

بیدار کردن احساسات

Figure humaine

چهره انسانی

L'esprit du temps

روح زمان

Monumental

خاطره انگیز

L'aube de l'espérance

صبح امید

The scene of battle

صحنه نبرد

The wave of denunciation

موج اعتراض

Insuffisance فارسی
Indiscipline بی انضباطی

ب - فاقد و خلاف و ضد برای ترجمه صفتی که دارای پیشوندهای منفی هستند پیشوندهایی از قبیل Anti و آنچه قبلاً دیدیم، البته «غیر» به عنوان عنصر دستوری از قدیم بوده است و ظهور «فاقد» و «ضد» و «خلاف» به عنوان عنصر دستوری صفت ساز گویا تازه‌گی دارد مثال :

Incompétent فاقد صلاحیت
Immorale خلاف اخلاق
Antilogique خلاف منطوق
Illegal, Antilegal خلاف قانون
Antinational ضد ملی
Anticolonialiste (فر) ضد استعمار
Anticommuniste (فر) ضد کمونیست

ج - بلا - اینگونه واژه‌ها گاهی با «بلا» ترجمه می‌شوند که گویا از قدیم هم به عنوان شبه پیشوند به کار می‌رفته است :

Inexécuté بلا اجرا
Inconditionné بلا شرط

د - قابل - قابل برای ترجمه صفتی به کار رفته است که آخر آنها پسوندهای "Able" و "Ible" است مانند :

Imprimable قابل چاپ
Considérable قابل ملاحظه
Acceptable قابل قبول

یک دوم (1) One half (فر)
یک چهارم (1) One fourth (فر)
سدهم Le trois dixième

سه هفتم Le trois septième (فر) Three seventh
۴ - بیداشدن شبه پیشوندها - چون در زبان ما پیشوند کمست و در زبانهای غربی پیش از فارسی است بسیاری از کلمات پیشوندی بیگانه با اسمها یا عناصری ترجمه شده‌اند که بر اثر کثرت استعمال بدل به عنصر دستوری گردیده و ما آنها را شبه پیشوند نامیده‌ایم بعضی از اینها در قدیم هم به عنوان عنصر دستوری بوده‌اند مانند «غیر» ولی بعضی دیگر چنین نیستند و عناصر اخیر عبارتند از :

الف - عدم برای ترجمه اسمهایی که دارای پیشوند منفی هستند یعنی پیشوندهایی از قبیل :
"im", "in", "des", "mé", "ir", "il", "iz"
اینگونه پیشوندها با عدم و بی و نا ترجمه شده‌اند اما چون «بی» و «نا» از قدیم عنصر دستوری بوده‌اند حالا مورد بحث ما نیستند ولی ظهور «عدم» در فارسی معاصر به عنوان عنصر دستوری تازه‌گی دارد :

Incompétence (فر) عدم صلاحیت
Irresponsabilité (فر) عدم مسئولیت
Incertitude عدم اطمینان
Insuccès عدم موفقیت
Disproportion عدم تناسب
Mécontentement عدم رضایت^{۱۲}

مثال برای ترجمه پیشوندهای منفی اسمی با بی و نا :

و - «ناپذیر» برخلاف قیاس صرفی و معایر ساختمان فارسی است زیرا در زبان ما معمولاً پیشوند «نا» بر سر ریشه فعلی متقلاً بکار نمی‌رود مثلاً نمی‌توان گفت ناچو، ناپر، ناخور زیرا «نا» بیشتر بر سر صفت می‌آید مانند «ناهران»، «ناجوانمرد» و غیره. «نا» تنها بر سر بعضی از ریشه‌های فعل که به تنهایی نیز بکار می‌روند می‌آید مانند: ناساز و ناکام و غیره. «نا» در قدیم بر سر بعضی از صفاتی که باریزه فعل ساخته می‌شده‌اند نیز می‌آمده است و کلماتی بوجود می‌آورده است مانند: «نادپذیر»، «نادلیستند» و «نادلفروز» اینک چند مثال از لغتنامه دهخدا:

بدو گشت طوس ای سپهدار پیر
چه گویی سخنانی نادلیپذیر
(فردوسی)

تسو بند وی را سر به آغوش گیر
میگو هیچ گفتار نادلیپذیر
(فردوسی)

جهان گرچه زیر کمند آمدش
نکرد آنچه نادلیسند است
(نظامی)

جهان گرچه زیر کمند آمدش
نکرد آنچه نادلیسند آمدش
(نظامی)

۱۶ - رضایت غلط مشهور است بدین سبب اخیراً ادبا به جای عدم رضایت «نارضائی» بکار می‌برند.

قابل استفاده Profitable
این گونه واژه‌ها گاهی با «پذیر» ترجمه می‌شوند و گاهی نیز با «قابل» و «پذیر» هردو:

قابل اجتناب، اجتناب‌پذیر Euitable
تحمل‌پذیر و قابل تحمل Supportable
بنابر این «پذیر» که ریشه فعلست امروز تحت تأثیر ترجمه رواج یافته و به صورت شبه پسوند درآمده است. قابل در قدیم هم به ندرت به صورت شبه پیشوند آمده است مانند:
وضع زمانه قابل دیدن دوبار نیست
روپس نکرد هر که از این خاکدان گذشت

(کلیم)

بنابر این رواج «قابل» به عنوان شبه پیشوند مربوط به دوران ما و تحت تأثیر ترجمه است.

ه - غیر قابل - این ترکیب نیز تحت تأثیر ترجمه به صورت شبه پیشوند و به شکل عنصر دستوری بکار رفته است و این عنصر نیز کاملاً تازه‌گی دارد و استعمال آن در قدیم به نظر نگارنده نرسیده است. «غیر قابل» برای ترجمه صفات منفی به کار می‌رود که با پسوندهای یاد شده (Ible, Able) ختم می‌شوند. اینگونه صفات گاهی با «ناپذیر» نیز ترجمه می‌شوند و گاهی هم به هر دو صورت ترجمه می‌گردند مانند:

غیر قابل قبول Inacceptable
غیر قابل دفاع Indefendable
غیر قابل پیش‌بینی Imprévisible
غیر قابل اجتناب، اجتناب‌ناپذیر Inévitabile
غیر قابل نفوذ، نفوذناپذیر Impénétrabile

از آن سخت پیغام نالدنروز
 نبد هوش او مانده تا چند روز
 (یوسف و زلیخا)

و از این قبیلست تجدید قوا ، تجدید جاپ ،
 تجدید ساختمان ، تجدید اشتراک .
 یادآوری - گاهی Re با «عکس» یا «وا»
 ترجمه شده است مانند :

Réaction عکس‌العمل یا واکنش
 Repression (ا) واپس‌زدگی
 Refoulement (فر) (ا)

بنابر این می‌توان گفت شبه پسوند «ناپذیر»
 ترکیب جدیدیست و در فارسی قدیم سابقه ندارد
 و اخیراً برخلاف قیاس ساخته شده است و به احتمال
 قوی تحت تأثیر ترجمه بوجود آمده است و صورت
 قیاسی ترکیباتی که با این جزء ساخته می‌شوند باید
 چنین باشد :

پسوند Re را بهتر است با «باز» یا «دوباره»
 یا «وا» ترجمه کنیم مانند : «بازنگری» به جای
 «تجدید نظر» و «واکنش» و «بازسازی» .

ناجتناب‌پذیر	به‌جای	اجتناب‌ناپذیر
نااصلاح‌پذیر	به‌جای	اصلاح‌ناپذیر
نافوذپذیر	به‌جای	نفوذناپذیر
ناشکست‌پذیر	به‌جای	شکست‌ناپذیر
ناتحمل‌پذیر	به‌جای	تحمل‌ناپذیر

ح - مجدد - گاهی Re یا «مجدد» ترجمه
 شده است که به صورت صفت پسین بکار رفته است
 مانند :

Reformer تشکیل مجدد (کابینه)
 Réexpedition ارسال مجدد
 ط - اعاده - گاهی نیز «Re» با اعاده ترجمه
 شده است مانند :

Rehabilité اعاده حیثیت
 ۳ - افزایش شدت افزاها - کلماتی مانند
 بسیار، خیلی، آنهمه، چنین و مانند آن‌ها را وقتی صفت
 یا قیدی را مقید سازد قید شدت افزا^{۱۷} می‌گوییم این
 گونه قیود در فارسی مشخص و معینند و نگارنده آن‌ها
 را در دستور امروز (ص ۷۷ و ۷۸) نوشته است ولی
 تحت تأثیر ترجمه فرنگی تعداد دیگری از این قیود
 وارد فارسی شده است که صفت یا قید را مقید می‌سازند
 از آن جمله است :

ولی حالا که «ناپذیر» به عنوان شبه پسوند
 رایج و پذیرفته شده است و از زیبایی نیز بی بهره
 نیست اگر چه به صورت غلطی است می‌توان آن را
 به عنوان غلط مشهور بکار برد مانند دهها غلط مشهور
 دیگر .

ز - تجدید - این شبه پیشوند ترجمه «Re»
 فرانسه و انگلیسی است مانند :

تجدید نظر	Revision
تجدید نظر طلب	Revisioniste
تجدید حیات	Renéssance
تجدید تسلیحات	Rearmement
تجدید انتخاب	Ré-election

Directly	(۱)	
Certainement	(فر)	مطمئنانه
Surly یا Certainly	(۱)	
Necessairement	(فر)	لزوماً
Necessarily	(۱)	
Quite	(فر)	کاملاً
Complettement	(۱)	
Dernièrement	(فر)	اخیراً
Recently	(۱)	
و همچنین است استثنائاً ، منطقاً ، مشترکاً ، و دهها مانند آن .		

بسیاری از ترکیبات عربی تحت تأثیر ترجمه
بوجود آمده‌اند و در فارسی بکار رفته‌اند مانند :

Extraordinaire	(فر)	فوق العاده
Difficile à realiser	(فر)	صعب الحصول
Intellectuelle		منور الفکر ، روشنفکر

۵ - گروههای پیوندی تازه - بسیاری از
گروههای پیوندی فارسی تازه بوجود آمده‌اند
و ترجمه گروههای پیوندی فرنگی هستند از این
قبیلند :

Supposé que یا A supposer	به تصور اینکه
Au moment que	از لحظه‌ای که
Au cas que	در موردی که - در صورتی که
De façon que یا De manière que	به طریقی که

Intensifier - ۱۷

نسبتاً ، به اصطلاح ، عمیقاً ، کاملاً ، صرفاً که
البته همه اینها شدت افزا نیستند (مانند به اصطلاح)
ولی چون نقش دستوری شدت افزاها را دارند ما آنها
را در اینجا آورده‌ایم :

Fully independent	کاملاً مستقل
Quite serious	کاملاً جدی
Purely یا Merely political	صرفاً سیاسی
Relativement limité	نسبتاً محدود
Relatively calm	نسبتاً آرام
Deeply satisfied	عمیقاً خشنود
So-called democratic	به اصطلاح دموکراتیک

۴ - بسیاری از کلمات عربی که در آن زبان
بکار نمی‌روند تحت تأثیر ترجمه فرنگی بوسیله
ایرانیان یا ترک‌ان عثمانی ساخته شده و وارد زبان ما
گردیده‌اند از آن جمله است :

Occupation	اشغال
Concentration	تمرکز
Deleguer	اعزام
Fortene	سبعانه
Legisl atif	مقننه

بسیاری از قیدهای تنوین دار تحت تأثیر ترجمه
بوسیله ما ساخته شده است که در قدیم در عربی مورد
استعمالی نداشته است مانند :

Deeply	(۱)	
Profondement	(فر)	عمیقاً
Directement	(فر)	مستقیماً

گفته‌اند ، آورده‌اند ، زدند در جمله‌هایی از قبیل او را زدند ، به او گفته‌اند ، این نوع فعل تنها صورت فعل مجهول در زبان گفتار است و در نوشتار نیز مورد استعمال فراوانی دارد . دیگر به وسیله فعل مجهول که در زبان گفتار رایج نیست فقط در زبان نوشتن بکار می‌رود ولی چون در زبانهای فرانسوی و انگلیسی فعل مجهول بسیار است در زبان ما نیز تأثیر کرده و تحت تأثیر زبانهای یاد شده در فارسی هم استعمال فعل مجهول رو بفرونی نهاده است مانند :

They are called نامیده می‌شوند

فعلهای مجهول فرنگی گاهی در فارسی با فعل مجهول کوتاه یعنی فعل مجهول مرکب یا شبه مرکبی که اسم مفعول آن حذف شده است ترجمه شده‌اند :

اعضاء شدن (به جای امضاء کرده شدن) To be signed
انجام شدن (به جای انجام داده شدن)

To be carried out طرح ریزی شدن (به جای طرح ریزی کرده شدن)
To be planned

در فارسی امروز تحت تأثیر ترجمه نوعی دیگر فعل مجهول که به صورت گروه فعلی است بوجود آمده است. این نوع فعل از ترکیب «مورد» و «قرار گرفتن» یا «واقع شدن» بوجود می‌آید و این در وقتی است که فعل متعدیست اما به جای مفعول را بی مفعول یا مفعولی غیر از آن ندارد مانند جمله کردن ، اقتصاد کردن ، اعتراض کردن که مجهولشان می‌شود مورد جمله قرار گرفتن ، مورد اعتراض قرار گرفتن ، مورد اتفاق واقع شدن و مانند آنها مثال :

به نحوی که De sorte que
از ترس اینکه De peur que یا De crainte que
علاوه بر اینکه Plus que , Outre que
در عین حال که En même temps que
بر حسب اینکه Selon que یا Suivant que
به استثنای اینکه Sauf que یا Excépte que
حتی وقتی که Quand même
از نظر اینکه Vue que
به امید اینکه In the hope that

رواج بعضی از عناصر دستوری تحت تأثیر ترجمه

تحت تأثیر ترجمه برخی از عناصر دستوری که در سابق بوده‌اند رواج بیشتری یافته‌اند از آن جمله‌اند : فعل مجهول ، فعل مستقبل ، مطابقه فعل با مسند الیه غیر ذیروح ، گروههای طولانی ، عدد های جمع (مانند صدها و هزارها و دهها) ، استعمال عدد اصلی به جای عدد ترتیبی ، تجددهایی در قواعد جمع و اسم جمع .

همچنین این عناصر دستوری تحت تأثیر ترجمه به صورت شبه پسوند و شبه پیشوند رواج بیشتری یافته‌اند غیر ، آمیز ، انگیز ، پذیر ، شناسی ، پیش ، قبل ، تنوین ، دو ، چند ، کثیر ، نیم ، نیمه ، هم ، شبه ، سو و به طور ، از لحاظ و غیره .

اینک مثال برای این موارد :

۱ - در فارسی معنی فعل مجهول بدو صورت بیان می‌شود یکی بوسیله فعل شبه مجهول مانند

Etre attaqué	(فر)	مورد حمله قرار گرفتن
To be attacked	(ا)	مورد اعتراض واقع شدن
To be protested	(ا)	
Etre protesté	(فر)	

۴ - امروز تحت تأثیر ترجمه، نوعی اسم جمع وارد فارسی شده است که «ات» عربی به آخر آن ملحق می شود این اسمهای جمع ترجمه کلمات مفرد فرنگیست و عبارتند از:

Exportation		صادرات
Importation		واردات
Propaganda	(ا)	تبلیغات
Propagande	(فر)	
Press	(ا)	مطبوعات
La Presse	(فر)	
Manifestation		تظاهرات
Reform		اصلاحات
Election		انتخابات
L'aperçu		ملاحظات
Disposition		مقررات
Organisation		تشکیلات

۳ - دیگر از تأثیرات ترجمه رواج گروههای اسمی طولانی در زبان ماست مانند:

«افزایش شکاف بین کشورهای غنی و فقیر»
 که ترجمه ایست از
 The growing gap between the rich and poor

۴ - استعمال عدد اصلی به جای عدد ترتیبی نیز تحت تأثیر ترجمه زیاد شده است مانند: قرن بیست به جای قرن بیستم و از این قبیل است نمره یک، اطلاق شماره بیست، سال ۱۳۴۲ و دهها مانند آن.

۵ - همچنین بعضی از کلمات تحت تأثیر ترجمه برخلاف قواعد فارسی جمع بسته می شود مانند:

Les Allemands (آلمانیها)
 همچنین است انگلیسها و روسها به جای انگلیسیان و روسیان ولی بسیاری دیگر از اینگونه کلمات درست جمع بسته شده اند مانند امریکاییها، ایتالیاییها، نروژیها، یونانیها، ژاپنیها نه امریکاهای، ایتالیاهای، نروژها.

۶ - در فارسی قدیم فعل گاهی با مسند الیه بیجان مطابقت نمی کرده است و گاهی میکرده است ولی امروز تحت تأثیر ترجمه مطابقت فعل با اینگونه مسندالیهها بیشتر شده است مانند:

ارقام سخن می گویند Les chiffres parlent
 ۷ - «Must» در انگلیسی هم به معنی «احتمال دارد» است و هم به معنی باید بکار می رود مثال برای این فعل که به معنی احتمال دارد آمده است:

Niagara Fall must be beautiful

یعنی آبشار نیاگارا باید زیبا باشد یعنی احتمال دارد زیبا باشد.

ممکنست «باید» به معنی «شاید» در فارسی نیز تحت تأثیر ترجمه باشد مانند: «او باید حالاریسیده باشد».

۸ - ممکنست «اینطور نیست» نیز ترجمه «N'est ce pas» فرانسوی باشد. در جمله هایی مانند:

او به‌خانه رسیده است اینطور نیست؟

۹ - رواج نوعی امر خواهشی و احترامی به غیر صیغه امر نیز بیشک ترجمه از فرنگیست. در جمله‌هایی مانند اگر ممکنست بفرمایید بنشینید، آیا مایلید در را باز کنید، ممکنست به‌خانه‌ما بیایید؟ به جای بنشینید، در را باز کنید، به‌خانه ما بیایید. این اصطلاحات ترجمه چنین تعبیراتی هستند:

Would you open the door
خواهشمندم در را باز کنید

Will you open the door
خواهشمندم کمی آهسته‌تر صحبت کنید

Voulez vous parler moins vite

۱۰ - به‌نظر می‌رسد رواج گروه‌های فعلی «وجود دارد» و «وجود داشت» نیز تحت تأثیر ترجمه باشد زیرا ما در فارسی فعل‌هایی نظیر "Il y a" فرانسه و "There is" انگلیسی نداریم و ناچار آنها را با «هست» و «وجود دارد» ترجمه می‌کنیم.

۱۱ - فعل‌های مستقبل نیز تحت تأثیر ترجمه در زبان ما رواج بیشتری یافته است. در زبان بهلوی صیغه خاصی برای مستقبل نبوده است و مضارع نقش مستقبل را نیز بازی می‌کرده است. در فارسی دری قدیم گاهی مضارع مجرد فعل شبه‌معین خواستن (خواهم، خواهی، خواهد...) بخصوص با فعل بودن صیغه مستقبل می‌ساخته است مانند «خواهد بود» و غیره معیناً این فعل همیشه مستقبل نمی‌ساخته است زیرا در بسیاری از موارد فعل شبه معین بوده است نه فعل معین مستقبل‌ساز مثلاً «خواهم رفتن» و «خواهم شدن» به‌معنی می‌خواهم بروم می‌آمده است مانند:

خواهم شدن به‌ستان چون غنچه بادل تنگ
و آنجا به نیکنامی پیراهنی درپیدن
(حافظ)

در این دوران باز صیغه‌های مضارع بخصوص مضارع مجرد نقش مستقبل را نیز بازی می‌کرده‌اند ولی بتدریج فعل شبه معین خواهم، خواهی... تبدیل به فعل معین مستقبل‌ساز شده است و در زمان ما تحت تأثیر ترجمه صیغه مستقبل تثبیت گردیده است اما ما هنوز در زبان گفتار صیغه مستقبل نداریم و برای رساندن این معنی باز از فعل مضارع بهره‌مند می‌شویم و رواج فراوان مستقبل در نوشتن بیشک تحت تأثیر ترجمه است:

۱۲ - اینک مثال برای کلمات مستقیمی که تحت تأثیر ترجمه به‌صورت شبه پسوند و شبه پیشوند درآمده‌اند این شبه پسوند و پیشوندها عبارتند از: پیش، قبلی، دو، همه، چند، نیمه، نیم، هم، شبه، سوء، بطور، از لحاظ، از حیث.

Préachat	پیش خرید
Prévention	پیشگیری، جلوگیری
Préavis	پیش آگهی
Préjugé	پیشداوری
Préfixe (فر)	پیشوند (ا)
Précoce	پیش‌رس

گاهی اینگونه کلمات به‌جای پیش یا «قبلی» ترجمه می‌شوند مانند:

Préssentiment	احساس قبلی
---------------	------------

مضاوت قبلی

Préjugé

و همچنین است وضع عناصر دستوری که در مثالهای زیر خواهد آمد:

دو همسری ، دو جانبه ، همه جانبه ، چند جانبه ،
 کثیر الاضلاع ، چندخدایی ، نیمه رسمی ، نیمه ایزد ،
 نیمه متمدن ، نیمه راه ، نیمه خدا ، هم جوار ،
 هماهنگ ، همخوانی ، هم پیمان ، هم عصر ، هموطن ،
 هم مین ، هم عقیده ، هم مسلک ، شبه فلز ، شبه معین ،
 سوء تظاهر ، سوء رفتار ، سوء ادب ، سوء هضم ،
 سوء جریان ، سوء استفاده ، بطور محسوس ، بقدر
 کافی ، به مقدار زیاد ، بطور وسیع ، از لحاظ اقتصادی ،
 از نظر نظامی ، از حیث نظامی و دهها مانند آن که
 اخیراً رایج شده است .

و گروه کوتاه وابسته ساز میسازند ، ولی معادلشان
 در فرانسه و انگلیسی حرف اضافه است . به همین سبب
 بعضی از دستور نویسندگان به تقلید از زبان فرانسه و انگلیسی
 این کلمات را هم حرف اضافه خوانده اند^{۱۸} در حالی که
 درست نیست .

اینگونه حروف اضافه فرنگی که در فارسی
 نظیرشان نیست به وسیله گروههای وابسته ساز ترجمه
 شده اند و این گروهها یا بلندند و در آن صورت
 ساختمانان چنین است :

حرف اضافه + اسم + کسره یا حرف اضافه دیگر
 بر ضد = (فر) Contre
 (۱) Against
 به استثناء + ی = (فر) sauf
 (۱) Except

و یا کوتاهند یعنی صورت کوتاه شده گروههای یاد شده
 هستند مانند : نزد ، پیش ، جلو و غیره که می توان
 آنها را به صورت بلند هم بکار برد یعنی به صورت
 به نزد ، در پیش ، در جلو .

این گروهها نیز یا در زبان ما وجود داشته اند
 مانند به سوی و بر فراز و درباره و در بالای ،
 و یا در عصر حاضر به وجود آمده اند مانند بر ضد
 و به استثنای و غیره .

اینک ترجمه حروف اضافه فرنگی در فارسی :
 الف - آنهایی که با گروههای کوتاه ترجمه
 شده اند و معادلشان از قدیم در زبان ما وجود داشته
 است :

یادآوری - «سوء» در قدیم با کلمات عربی
 ترکیب می شده است مانند سوء التقیه و سوء القضاء
 ولی ترکیب آن با کلمات فارسی و یا فارسی شده
 به احتمال قوی تحت تأثیر ترجمه است و تازگی دارد .

تأثیر حروف اضافه فرانسوی و انگلیسی در فارسی
 شماره حروف اضافه فارسی و حروف جر
 عربی از حرفهای اضافه فرانسه و انگلیسی به مراتب
 کمتر است به این سبب در این دو زبان هنگام ترجمه
 بعضی از اسمهای مضاف به جای حرف اضافه بکار
 می روند مانند خلف در عربی و عقب و پس و سپس در
 فارسی به جای Behind انگلیسی و Derrière فرانسه
 و از این قبیلست روی ، زیر ، بالای ، نزد ، پیش
 و غیره (با کسره آخر) که در فارسی اسم مضافند

Comme (فر)	بد عنوان	Chez (فر)	نزد ، نزدیک
As (ا)		Near (ا)	
Durant (فر)	در عرض ، در مدت	Above (ا)	بالای
During (ا)		Sur (فر)	روی
Autour de (فر)	بیرامون ، در اطراف	On, upon (ا)	
Around (ا)		Below (ا)	زیر
	بربرابر ، در مقابل (مثلاً در برابر دادگاه)	Sous (فر)	زیر ، تحت
Devant (فر)		Under (ا)	
Before (ا)		Entre (فر)	بین ، میان

ج - آنهایی که با گروههای بلندتر ترجمه شده اند
و معادلشان در فارسی نازکی ندارد و از قدیم بوده است:

Toward	سوی	Between (ا)	
Sur (فر)	در باره	Suivant (فر)	طبق ، مطابق
About (ا)		Derrière (فر)	عقب ، پس ، پس پشت
Malgré (فر)	با وجود علی رغم	Behind (ا)	
Despite (ا)		Inside (ا)	درون ، داخل
		Dehors (فر)	بیرون ، خارج
		Outside, out (ا)	
		Vis-a-vis (فر)	مقابل ، برابر
		Opposite (ا)	

ب - آنهایی که با گروههای بلندتر ترجمه شده اند
و معادلشان در قدیم وجود نداشته و اخیراً تحت تأثیر علوم و ابسته ساز تازه فارسی ترجمه گروههای وابسته ساز
ترجمه بوجود آمده اند:

Au moyen de (فر)	بوسیله	Par (فر)	بوسیله ، بواسطه
By means of (ا)		By (ا)	
In common with	در ارتباط با	Sans	بدون
In comparaison with	در مقایسه با	Contre (فر)	برضد ، علیه ، بر علیه
In contact with	در تماس با	Against (ا)	
Instead of	به جای	Sauf (فر)	به استثنای
		Except, Excepting (ا)	

Independamment de	مستقل از
Away from	دور از
Aside from	بر کنار از، فارغ از
Concerning (ا)	مربوطه
Concernant (فر)	
Bestides	علاوه بر

که از تعبيرات يادشده تنها «مستقل از» تازگی دارد و تحت تأثیر ترجمه بوجود آمده است و بقیه در فارسی قدیم هم بوده‌اند و سابقه داشته‌اند و تحت تأثیر ترجمه بوجود نیامده‌اند.

کلماتی که از زبانهای فرنگی به فارسی ترجمه گردیده‌اند همیشه بایک کلمه برگردانده نشده‌اند بلکه گاهی بوسیله دو یا چند کلمه ترجمه گردیده‌اند و گاهی هم بایک جمله برگردانده شده‌اند ولی بسیاری کلمات بیگانه‌ای که بایک کلمه ترجمه شده و این کلمات ترجمه‌ای نیز بر دو قسمت یکی کلمات تازه که قبلاً در زبان ما نبوده‌اند و یا به معنایی دیگر بکار می‌رفته‌اند و تحت تأثیر ترجمه ساخته شده‌اند مانند: دانشگاه، دانشکده، آزادیخواه و صدها مانند آن. دیگر آنهایی که تازگی ندارند.

مثال برای واژه‌هایی که با دو یا چند واژه و بصورت گروه ترجمه گردیده‌اند:

Solution	راه حل
Directly (ا)	بطور مستقیم
Directement (فر)	

En cas de (فر)	در حال
In case of (ا)	
En faveur de (فر)	بمنفع، بزیله، له
In favour of (ا)	
Au cours de	در جریان
A la suit de	به دنبال
By way of	از طریق
On behalf of	از طرف
For the sake of	برای خاطر، بدخاطر
With respect to	باعطف، به، با احترام به
With regard to	باتوجه به
In proportion to	نسبت به

حروف اضافه فرنگی نوع دیگری از تأثیر نیز در زبان ما داشته‌اند و آن تغییر معنی یا تغییر مورد استعمال حروف اضافه فارسی است مانند: مطالعه کردن روی، به جای مطالعه درباره

Etudier sur	تکیه کردن روی، به جای تکیه کردن بر
Appuyer sur	حساب کردن روی
Compter sur	یادآوری - معادل بسیاری از حروف اضافه و گروه‌های وابسته ساز فرنگی در فارسی حروف اضافه یا گروه وابسته ساز نیست بلکه صفت یا قیدند مانند:

Après (فر)	بعد از
After (ا)	
Avant (فر)	پیش از
Before (ا)	
Hors de (فر)	و بجز

To organize (ا) سازمان دادن

Organiser (فر)

Normaliser (فر) عادی کردن

گاهی دو کلمه بیگانه بایک کلمه فارسی ترجمه شده است مانند :

Chefs d'oeuvre شاهکار

اما کلمات بیگانه ای که بایک کلمه تازه ترجمه شده اند و زبان فارسی را غنی کرده اند عبارتند از :

Sociologie (فر) جامعه شناسی

Sociology (ا)

Psychologie (فر) روان شناسی

Psychology (ا)

Stylistique (فر) سبک شناسی

Stylistics (ا)

Linguistique (فر) زبانشناسی

Linguistics (ا)

Economique (فر) اقتصادی

Economic (ا)

Complètement (فر) کاملاً

Completely (ا)

Sabotage خرابکاری

Legendary (ا) افسانه ای

Legendaire (فر)

Multilateral چند جانبه

Bilateral دو جانبه

Sérieusement (فر) مجدانه

Certainement (فر) مطمئناً

Certainly (ا)

بطور خود کار ، بطور اتوماتیک

Automatiquement (فر)

Automatically (ا)

Naturally (ا) بطور طبیعی

Naturellement (فر)

Strangely (ا) بطور عجیب

Etrangement (فر)

بطور غیر قانونی

Illégalement, Illégitimement (فر)

و از این قبیلند : بطور غیر رسمی ، بطور رسمی ،

بطور دائم ، بطور محسوس ، بطور غیر محسوس ،

بطور مساوی و دهها مانند آن ،

از کلمات بیگانه ای که به صورت گروه ترجمه

شده اند و ازدهای دستوری فرانسه و انگلیسی هستند

(از قبیل حروف اضافه و پیوندها) که در فارسی

نظیرشان نیست مانند :

برضد ، علیه ، بر علیه

Contre (فر)

Against (ا)

Comm (فر) به عنوان

As (ا)

دیگر از گروههای ترجمه ای تازه گروههای فعلی

و مصدری هستند که تعدادشان بسیار زیاد است مانند :

To aggravate تشدید کردن

To introduce معرفی کردن

To industrialize (ا) صنعتی کردن

To industrialiser (فر)

To occuper (فر) اشغال کردن

To occupy (ا)

اعتراض کننده (۱) Protester
 و صدها مانند آن از قبیل : عادلانه، آزادیخواه
 احتمالاً، مطمئناً، عمیقاً و غیره .

شک نیست که بسیاری از این تعبیرات و لغات
 بسیار زیبا ترجمه گردیده اند و مورد اقبال فارسی زبانان
 نیز قرار گرفته اند. از این قبیلند: دانشگاه، دانشکده،
 دانشی، بازرسی، شکست ناپذیر، دانستان و غیره
 ولی برخی دیگر با نهایت بی‌دوقی به فارسی برگردانده
 شده‌اند مثل :

فوق‌الذکر (فر) Sus-mentionné
 * Above mentioned (۱)

اتخاذ تدابیر لازم

(فر) Prendre des mesures nécessaires
 (۱) Take the necessary measures
 (فر) Pouvoir législatif
 (۱) Legislative power
 (فر) Pouvoir exécutif
 (۱) Executive power

که بعضی از اینها مانند «فوق‌الذکر» با قواعد سنتوری
 هم مطابقت ندارند زیرا جزء اول این تعبیر باید صفت
 باشد نه اسم. معانی مانند فائق و سابق و غیره . همچنین
 کلمه «عمومی» در ترکیب‌هایسی مانند روانشناسی
 عمومی، زبانشناسی عمومی که ترجمه غلط General
 است. ولی ژنرال اینجا به معنی کلی است نه عمومی
 و بهتر بود این عبارت را چنین ترجمه می‌کردند :
 کلیات زبانشناسی، کلیات روانشناسی، یا دست کم،
 زبانشناسی کلی، روانشناسی کلی و غیره .

باری کار ما رد یا قبول اینگونه اصطلاحات
 نیست بلکه غرض تنها بیان حقیقتی است واقع و شرح
 نکاتی است درباره فارسی معاصر و همچنین مراد
 نشان دادن کلماتیست که خواه و ناخواه و عملاً وارد
 زبان ما شده‌اند و بوسیلهٔ عدهٔ کثیری از مردم نیز بکار
 می‌روند و چنین تحقیقی یعنی پژوهش دربارهٔ تأثیر
 زبانها در یکدیگر از مباحث مهم دانش نوین زبان
 شناسیست که در همهٔ کشورهای پیشرفته صورت
 می‌گیرد. این امر کار و ازسازان زبان فارسی را نیز
 که میل دارند نشر امروز را تهذیب کنند و کلمات
 زیباتری به جای اصطلاحات مورد بحث به مردم عرضه
 کنند آسانتر می‌سازد زیرا با مراجعه به مجموعه‌های
 حاضر و آماده به آسانی می‌توانند لغات و تعبیراتی را
 که نمی‌پسندند پیدا کنند و به جای آنها ترکیبات
 مناسبتری بسازند و در دسترس مردم بگذارند آنگاه
 فارسی را کدام‌را انتخاب کنند .

گروهی بر آنند که برای این اصطلاحات
 و تعبیرات باید نظایر و مترادف‌هایی از آثار قدیم یافت
 ولی باید دانست که بسیاری از این اصطلاحات در آن
 آثار معادلی ندارند مثلاً «خط هوایی» و امثال آن
 نتوانستند گذشتگان مترادف نداشته است زیرا در آن
 زمان هواپیمایی نبوده است که خط هوایی هم باشد
 ثانیاً استعمال تعبیراتی هم که در آثار قدیم نظیر
 و مترادف داشته‌اند نیز مشکلی ایجاد نمی‌کند
 فی‌المثل شك نیست که «تبادل نظر»^{۱۹} در قدیم

(۱) Exchange of view - 19

(فر) Exchange de vue

طاق خواب ازفرانسه نه ازانگلیسی
Bed room La chambre à coucher

سالن نهارخوری ، اطاق نهارخوری
Dining room La salle à manger

احتیاج داشتن
To need Avoir besoin

درحالیکه معادل بسیاری دیگر از این اصطلاحات
در هر دو زبان مشابه همنند مانند :

اتخاذ تدابیر لازم

Prendre des mesures nécessaires (فر)

Take the necessary measures (ا)

En tous cas (فر) در هر صورت

In any case (ا)

L'une de miel (فر) ماه عسل

Honey-moon (ا)

Chaîne de montagnes (فر) سلسله جبال

Chain of mountains (ا)

Profondément (فر) عمیقاً و بنی

Deeply (ا)

Sous la direction de (فر) زیر نظر

Under the direction of (ا)

و صدها نظیر آن.

برای بسیاری از این گونه کلمات و تعبیرات
نگارنده فقط معادل فرانسوی آنها را یافته است مانند:

Les matières premières مواد اولیه

Les voix publiques آراء عمومی

Le calme avant l'orage آرامش قبل از توفان

عترادفهایی از قبیل «مشورت» و «رای ژنی» داشته
است اما این دو تعبیر را همیشه نمی توان به جای
«تبادل نظر» به کاربرد و انگهی ما مدعی نیستیم که
مفهوم «تبادل نظر» اصلاً در قدیم نبوده است بلکه
فقط می گوئیم «تبادل نظر» به صورت امروزی آن
نازگی دارد و ترجمه ای از زبان فرانسوی و یا
انگلیسی است و اگر هم کسی این تعبیر را نمی یستند
بهتر است زیاتر از آن را بسازد و در بین مردم رایج
کند. بهر حال قصد ما هواخواهی از این لغات
و تعبیرات با مخالفت با آنها نیست بلکه عرض عرضه
کردن آنهاست بدون اظهار نظر شخصی زیرا بحث
در باره زشتی یا زیبایی این تعبیرات کار عمده بیشتر
و مستلزم مجال وسیعتر است.

بعضی از این اصطلاحات در فرانسه یا انگلیسی
دو معادل دارند مانند احساس احتیاج کردن در فرانسه
که یکبار معادلت با Ressentir le besoin de
و دیگر با Eprouver le besoin de مساویست و این
در موردیست که بتوان کلمه ای را با مترادف آن عوض
کرد.

معادل بعضی از اصطلاحات ترجمه ای فارسی در
زبان فرانسوی و انگلیسی شبیه به هم نیستند و صورت
فارسی آنها ترجمه از یکی از زبانهای یاد شده است
نه از هر دو. مثلاً این اصطلاحات از فرانسه ترجمه
شده اند نه از انگلیسی :

ازفرانسه نه ازانگلیسی سفر بخیر
Have a good trip Bon voyage

و کدهایک از زبان فرانسوی وارد فارسی گردیده‌اند
از این رو ما تأثیر این دو زبان را در فارسی باهم مورد
مطالعه قرار دادیم .

اینگونه اصطلاحات ابتدا بیشتر از زبان فرانسوی
وارد زبان ما می‌شده‌اند زیرا در گذشته اکثر بنیان-
گذاران فرهنگ و تمدن جدید در کشور ما در فرانسه
و بلژیک و سوییس درس خوانده بوده‌اند و در نتیجه
اصطلاحات و تعبیرات آن زبان را از راه جرأید ،
کتاب فرهنگی ، نامه‌های اداری ، دروس دانشگاهی
و آثار علمی وارد زبان فارسی کرده‌اند اما تأثیر
زبان فرانسوی در فارسی بیشتر مربوط به گذشته است
زیرا در سالهای اخیر زبان انگلیسی در مبین ما جای
زبان فرانسوی را گرفته است و امروز تعبیرات
ترجمه‌ای بیشتر از راه انگلیسی وارد زبان ما می‌شود
ولی شک نیست که زبان فرانسه در چند دهه پیش یعنی
وقتی که زبان خارجی مردم درس خوانده ما بود اثر
عمیقی در فارسی برجای نهاده است .

بسیاری از تعبیرات فارسی بی آنکه از زبانهای
اروپایی ترجمه شده باشند مشابهت فراوانی با تعبیرات
اروپایی دارند . دلیل اینکه اینگونه تعبیرات و واژه‌ها
از فرنگی ترجمه شده‌اند آنست که در آثار قدیم
فارسی که هیچ ارتباطی با زبانهای فرانسوی و انگلیسی
نداشته‌اند بکار رفته‌اند مثال :

تحت فرمان ، زیر فرمان

Under the command (۱)

20 - Iron curtain

Rideau de fer

(فر)

La liberté politique آزادی سیاسی
La liberté d'action آزادی عمل
La liberté individuelle آزادی فردی
Salle d'opération اتاق عمل
برای بعضی دیگر فقط معادل انگلیسی آنها را
یافته است مانند :

To express hope اظهار امید کردن
All round reform اصلاح همه‌جانبه
Sitting room اتاق نشیمن
اعتماد کامل داشتن

To have the full confidence in
و معادل بعضی دیگر از این اصطلاحات را هم در
فرانسه و انگلیسی یافته است و هم در عربی مانند :

ملل متحد = (عربی) الامم المتحدہ

Les nations unies (فر)

United Nations (۱)

این شواهد می‌نمایند که بسیاری از این تعبیرات
در همه زبانها وجود دارند و تاحدی جنبه جهانی
یافته‌اند و منحصر به زبان انگلیسی و فرانسه و فارسی
نیستند . ولی البته هر یک از اینها ابتدا در یک زبان
بکار رفته‌اند و سپس به زبانهای دیگر ترجمه شده‌اند
مثلاً اصطلاح پرده آهنین^{۲۰} به معنی خاص سیاسی آن
نخست در زبان انگلیسی و بوسیله چرچیل بکار رفته
است و پس از آن وارد زبانهای دیگر شده است نهایت
آنکه اغلب این تعبیرات بوسیله زبانهای انگلیسی یا
فرانسوی به زبان ما آمده‌اند و گاه به درستی نمی‌توان
تعیین کرد کدام اصطلاح نخستین بار از زبان انگلیسی

Prendre forme (فر) شکل گرفتن

Take shape (ا)

هلال ، شکل ز نعل سمنند او گیرد
از این سبب ز خسوف ایمن است شکل هلال

(ازرقی)

Renaissance (تجدید حیات) حیاتی تازه

چون از وصول او خیر یافتند شادمان گشتند
و حیاتی تازه و عیشی نو بهمکان او در اجرام و احسام
ایشان ظاهر شد (ترجمه تاریخ پیمینی ص ۹۵ س ۱۴) -

Midi نیمروز

Crack bla : market (سیاه) شکستن بازار

پارم چو قدح بدست گیرد
بازار بسان شکست گیرد

(حافظ)

کرشمه‌ای کن و بازار ساحری بشکن
بغمزه روتق ناموس سامری بشکن

(حافظ)

Fountain of life چشمه حیوان ، چشمه زندگی

Ouvrir la porte (du pourparler) گشودن باب مذاکرات

عی الله یقضی بانهم نیله

فیختم بالحسنی ویفتح بابا

(مرزبان نامه ص ۴۱)

Abnormal (غیر طبیعی) : ناطبعی

هر چه تن مردم را طبیعی است بشناسد و هر چه

ناطبعی است بشناسد (ذخیره خوارزمشاهی ص ۱۵)

چاپ دانشگاه تهران ، طبع اول .

Indirect (غیر مستقیم) : نامستقیم

زمین وزمان زیر فرمان تست (فردوسی)

تخمیناً به قدر هفتاد نفر از امیرزادگان . . .

تحت امر و نهیم بودند (رستم التواریخ ص ۱۹)

تصحیح محمد مشیری چاپ اول) از عهد آدم تا کنون

که اکثر اقالیم در تحت تصرف و فرمان اروع چنگیز

خانست (تاریخ جهانگشا ص ۲۱ ج ۱ تصحیح

قزوینی)

Incomplete (ا) نامتمام

Inachevé (فر)

ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنی است

بد آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبارا

(حافظ)

Water storage آب انبار

Quadrupède چهارپا

Blood-thirsty تشنه به خون

Remain behind عقب مانده - واپس ماندگان

به واپس ماندگان از کاروانها (نظامی)

Sans arrêt بی توقف ، بی وقفه

Running water آب جاری ، آب روان

چو نالان آیدت آب روان پیش رتال جامع علوم انسانی

عدد بخشش ز آب دیده خوش

(حافظ)

Stagnant water مانداب

شکستن مجلس (ختم جلسه)

The session breaks up

چون مجلس بر شکست شرایدار گفت . . .

(منتخبات بهارستان جامی ص ۱۸ چاپ امیر کبیر

چاپ اول) .

دل جو کانون و دیده چون آتش

کار نامستقیم و حال سقیم

(ابوالعلاء بد نقل از لغتنامه)

«نامستقیم» اینجا به معنی «کج» است ولی

«غیرمستقیم» و «نامستقیم» که بر اثر ترجمه وارد

زبان ما شده به معنی «اِزراه دیگر» است.

دل شکسته : Heart broken

بکن معامله ای وین دل شکسته بخر

که با شکستگی ارزد به صد هزار درست

(حافظ)

اختلاف آراء (اختلاف نظر)

La divergence de vue

میان کرلی و پسر و اصحاب اختلاف آراء پدید

آمد (جهانگشای جویبی ج ۲ ص ۷۲ تصحیح

قزوینی) و عجز و قصور و اختلاف آراء اهوای هر کس

باز نمود (جهانگشای جویبی ج ۱ ص ۶۸).

عقدہ گشائی ، گره گشائی کردن Denouer

جو غنچه گرچه فرو بستگیت کار جهان

تو همجو باد بهاری گره گشا می باش

(حافظ)

به شرط اینکه A condition que

به علت اینکه ، به سبب اینکه A cause que

بی آنکه ، بی از آنکه Sans que

بی از آن کاید از او هیچ گنه از کم و بیش

سزده سال کشید از ستم چرخ ذمیم

(ابوحنیفه اسکافی)

پیشتر زآنکه ، پیش تا Avant que

یارب از ابر هدایت برسان یارانی

پیشتر زآنکه جو گردی زمین بر خیزم

(حافظ)

خیز تا بر گل نو کوزگی باده خوریم

پیش تا کوزه کند از گل ما دست زمان

(فرخی)

با وجودی که Malgrè que

در نمازی و رشک می کشم

با وجودی که با خدای منی

بعد از آنکه Après que Depuis que

علی رغم ، به رغم In spite of (ا)

(فر) En depit de

به نیروی A forte de

به نیروی بردان نیکی دهش (فردوسی)

به یاری In aid of

بر اثر ، در پی A la suite de

صبر و ظفر هردو دوستان قدیمند

بر اثر صبر نوبت ظفر آید (حافظ)

یادآوری - برای دیدن موارد بیشتری از

توارد بین تعبيرات و از گانی دستوری فارسی و فرانسه

و انگلیسی به مقاله نگارنده تحت عنوان «نکاتی چند

در باره تأثیر زبانهای فرانسوی و انگلیسی در فارسی»

در مجله وحید سال اول شماره نهم ص ۹ به بعد نگاه

کنید .

در قدیم به جای تعبيرات و اصطلاحات ترجمه ای

غالباً تعبيرات دیگری بکار می رفته است که در عین

اینکه با آن اصطلاحات تفاوت داشته است به آنها نیز

کم و بیش شبیه بوده است :

مثال برای اصطلاحاتی که مشابهت چندانی با اصطلاحات ترجمه‌های ندارند :

« نخست بار » بجای « برای نخستین بار »

For the first time

نخست بار که بر کان او گذشت فلک

بریده یافت شب و روز را ز یکدیگر

مختاری بد نقل از المعجم چاپ خاور ۱۳۱۵

« قولاً واحداً » بجای « به اتفاق آراء » :

والف شیدا و پیدا و هویدا و آشکارا و پیشوا

و اندروا و فابنا قولاً واحداً روا باشد که روی سازند

(المعجم ص ۱۵۷ س ۱۲ چاپ خاور ۱۳۱۵)

شرقی جنوبی به جای جنوب شرقی

غربی جنوبی به جای جنوب غربی

غربی شمالی به جای شمال غربی

شرقی شمالی به جای شمال شرقی

پس نام آن چهار یک که میان مشرق و جنوب

است شرقی جنوبیست و آنکه میان جنوب و مغربست

غربی جنوبی بود و آنکه میان مغرب و شمالست غربی

شمالی بود و آنکه میان شمال و مشرقست شرقی شمالی

بود (التفهیم ص ۶۵ و ۶۶ تصحیح استاد همایی سال

۱۳۱۸)

روی کسی حساب کردن - به کس داشتن و به کس شماردن :

گر فریدون بود به عزت مال

بی هنر را به هیچکس شمار

(سعدی)

وجهی اندیشیدن به جای تدبیری اتخاذ کردن

اکنون حکم فروت و قضیت کرم آنست که

بردن مرا وجهی اندیشید (کلیله و دمنه چاپ

قریب ص ۱۰۱) .

تدبیری اندیشیدن به جای تدبیری اتخاذ کردن

حالی به صلاح آن لایقتر که تدبیری اندیشی

و بروجه مسارعت روی به حیل آری (کلیله و دمنه

تصحیح مینوی چاپ اول ص ۱۰۱) .

مثال برای مواردی که بین تعبیرات قسازنی

و فرنگی مشابهت بیشتریست :

اختلاف کلمه و تفرق کلمه به جای اختلاف نظر

La divergence de vue (فر)

هیج استعلاى دشمن را چون نصرت مخلصان

و تفرق کلمه لشکر و رعیت نیست (کلیله مینوی

۳۶۶) . درائى آن خبر اختلاف کلمات امرای عراق

رسیده (تاریخ جهانگشای جوینی ص ۳۷ ج ۲ تصحیح

قرینی) .

اتفاق کلمه نظیر اتفاق نظر و وحدت نظر

Unité de vue (فر)

دانی و قاضی و مطیع و عاصی را در امتثال فرمان،

اتفاق کلمه پدید آید (التوسل الى الترتل ص ۹۶

س ۱۵ چاپ بهمنیار) .

تحت قدرت شبیه تحت نفوذ

Under the influence of

چون ایام خشم به سرا آید و نوبت رضا در آید

عوض آن دادن و تلافی آن فرمودن در تحت قدرت

فطرت بشری و امکان قوت بنیت آدمی نیاید

(التوسل الى الترتل ص ۲۶) .

تحت تصرف شبیه تحت اشغال

Sous l'occupation de

آن ولایت در تحت تصرف خود درآورد (چهار مقاله چاپ معین ص ۱۶ س ۴).

یادآوری - نظیر این تعبیرات که با «تحت» ساخته شده‌اند، فقط در فارسی ترجمه‌ای دیده می‌شود:

تحت این شکل *Sous cette forme*

تحت بررسی، تحت آزمایش *Under examination*

تحت مطالعه *Under study*

تحت بازجویی *Under investigation*

و از این قبیلست تحت تعقیب، تحت پیگرد،

تحت نظر، تحت نظارت، زیر نظر.

بعضی از این گروهها در فارسی و فرنگی کار

صفت را می‌کنند مانند:

مواد تحت بررسی

The material under examination

مجاری احوال نظیر جریان امور:

و در تضاعیف آن مکاتیب از مجاری احوال

خویش و کید حساد و افعال حقوق و اصفا و اجابت

که از حضرت بخارا بنمایم خصوم او رفته بود (ترجمه

تاریخ یمنی ص ۷۰ س ۷).

اگر محول حال جهانیان نه‌قضاست

چرا مجاری احوال برخلاف رضاست

(انوری)

گاهی دو تعبیر فارسی و فرنگی عیناً مانند

همند اما معنی آنها در دو زبان متفاوتست مانند

«تصمیم گرفتن» در فارسی و «Prendre décision»

در فرانسه:

عزیمت نهضت برای تحرّری رضای او بر آن

قسمت تصمیم گرفت (التوسل ص ۱۶۶ س ۲۱) نیز

عزیمت اینجانب (بر نهضت) سوی خراسان تصمیم

گرفته بود (التوسل ص ۱۸۴ س ۱۰) چنانکه دیده

می‌شود مسند الیه و فاعل تصمیم گرفت «عزیمت»

است نه انسان بنا بر این بین معنی «تصمیم گرفتن» امروز

که به انسان اسناد داده می‌شود و از زبان‌های اروپایی

ترجمه شده است و تصمیم گرفتن در قدیم که به عزم

و عزیمت نسبت داده می‌شده است تفاوتست زیرا تصمیم

در قدیم به معنی «گرییدن و گذشتن در کار عزیمت بوده

است» (لغتنامه) ولی امروز به معنی اراده است.

یادآوری - مصمم کردن نیز در قدیم مانند

تصمیم گرفتن به معنی گذشتن و جریان یافتن بوده

و به عزم و امثال آن نسبت داده می‌شده است:

و چون امیر ناصرالدین خاطر از کار قصدار

بیرداخت عزم غر و کفار مصمم کرد (ترجمه تاریخ

پسیتی ص ۲۷ س ۷). آتش غیرت در نهاد ناصرالدین

متما عشد و عزم انتقام مصمم کرد (همان کتاب ص ۳۱

س ۱۲). چون این جواب به عضدالدوله رسید

خشمناک شد و عزم مقاومت و مكاوحت قاپوس مصمم

کرد (همان کتاب ص ۴۹ س ۱۳).

حاصل سخن آنکه تعبیرات ترجمه‌ای غیر علمی

و غیر فنی که وارد زبان ما شده است از ده هزار

متجاوز است و نگارنده تنها ده هزار از این اصطلاحات

را که نمونه آنها داده شد به دو زبان فرانسه و انگلیسی

گرد آورده است. بعضی از متعصبان با این اصطلاحات

مخالفتند و وجود آنها را در زبان فارسی دلیل ناتوانی

و ضعف آن می‌دانند و این امر طبیعی را مغایر غرور

علی و مخالف شوون فرهنگی ایران می‌دانند. ولی

این اندیشه پنداری باطل بیش نیست زیرا در جهان

A period of time ————— يك برهه از زمان
و البته واقعه‌ای که در يك برهه از زمان حادث
می‌شود تأثیرش به مراتب بیشتر است (همان کتاب
ص ۲۵۰).

نقش باختن و نقش بازی کردن
To play of the role و jouer un rôle
درصد برآمد که در این دوره‌های تعصب و شقاق
چنانکه باید نقش سیاسی مؤثری بیازد (ادبیات فرانسه
در دوره رنسانس ترجمه دکتر زرین کوب ص ۹۲).
اسکندر کبیر و دارای کبیر

Alexandre le Grand (فر)
Alexandre The Great (ا)
آن روز که دارای کبیر از مدد بخت
بر کند ز بن ریشه آشوب و فتن را
(بهار)

بازی لقب کبیر برای پادشاهان و رجال
تعبیر است فرنگی زیرا در ایران اسلامی به چنین
پادشاهانی «سلطان اعظم» «پادشاه جهانگیر» و غیره
می‌گفته‌اند.

Brilliant results نتایج درخشان
قالب شکنی شعر نو همیشه و هم‌جا نتیجه
درخشان به‌بار نیارده است اما... (شعر بی‌دروغ
شعری نقاب ص ۲۸۰ چاپ اول از دکتر زرین کوب).
The brilliant work کار درخشان
کار بزرگ و درخشان (تاریخ زبان دکتر
خانلری ص ۲۰۴ ج ۱).
Prendre decision تصمیم گرفتن

له‌زبان پاک وجود دارد نه‌تراد و فرهنگ خالص
و زبانها و فرهنگهای جهان از آمیزش و پیوند با
یکدیگر به وجود می‌آیند و باروری می‌شوند و زبان
و فرهنگ پاک چیزی جز زبان و فرهنگ ناتوان
نیست. نهایت آنکه اخذ فرهنگ و تمدن و تعبیرات
بیگانه نباید استقلال زبان و فرهنگ ما را از میان ببرد
و الا اگر این کار موجب غنی شدن و بارور گردیدن
آن شود بسیار هم مفید است. مثلاً ورود عین لغات
بیگانه در زبانی اگر از حد اعتدال بگذرد خوب نیست
ولی ورود تعبیرات ترجمه‌ای بسیار مفید است و نشانه
زنده بودن و باروری زبانست. نشانه اینست که زبان
پداندان زبانی تواناست که می‌تواند دهها هزار تعبیر
ترجمه‌ای بیگانه را در خود حل کند و آنها را هضم
و جذب نماید و آن عناصر را چنان بدرنگ ملی و محلی
در آورد که کسی به بیگانه بودن آنها پی نبرد و نداند
که اینهمه لغت و اصطلاح از زبانهای دیگر آمده
است. همانطور که در زبان ما چنین شده است.

و انگهی، این نفوذ در هر زبانی دیده می‌شود
و امریست کاملاً طبیعی بطوری که این تلافی در زبان و معانی
نوشته ادبا و قلم‌نویسان دانشمند کشور ما نیز دیده
می‌شود. در نوشته کسانی مانند دکتر صفی‌الدین کبیر
خانلری، دکتر زرین کوب، این نشانه‌ایست که این
کار واقعی برای زبان ما نیست.

اینک مثال برای اینگونه اصطلاحات در آثار
ادبای معاصر:

Le jugement hâtif قضاوت عجولانه
و در این قضاوت عجولانه از طریق انصاف
و عدالت خارج گشته‌اند (نقد ادبی ص ۱۷۴ چاپ
اول از دکتر زرین کوب).

تصمیم به ترک وطن گرفت (با کاروان حله در ۶۳ تألیف دکتر زرین کوب).

To fill the gap پر کردن گودال، پر کردن شکاف باید گودالی که بین عواطف و افکار دیروزی و امروزی دهن باز کرده است هر چه زودتر پر کنیم (خطابه دکتر رعدی در فرهنگستان از مجله گوهر شماره ۱۱ و ۱۲ سال ۱۳۵۲ ص ۱۰۰۹).

سازمان به اصطلاح ملی

So-called national organization

سازمان به اصطلاح ملی با این پولهای بدقول خودش بی برکت . . . (سه تار از جلال آل احمد).

La periode primitive مرحله ابتدایی

و هنوز آن مرحله ابتدایی نگذشته است (دانشمند واقعی و معرفت حقیقی از عباس اقبال).

Les affaires sociales (فر) امور اجتماعی

The social affairs (ا)

همین امر سبب بود که بتدریج دست بعضی از مشایخ در امور اجتماعی گشوده شود (تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ چاپ اول ص ۱۸۳ تألیف دکتر صفای).

Prendre une diplomatie اتخاذ سیاست

پادشاهان زمان خصومتاً سلاطین سلجوقی نیز علوم انسانی را در ایران ج ۳ ص ۱۴۱ چاپ دوم).

Unité d'action وحدت عمل

این مقاومتها اگر بانقشه و تدبیر و وحدت عمل همراه نبود مسلماً کار معول را می ساخت (تاریخ ادبیات در ایران ج ۳ ص ۵۹ چاپ اول).

«در درجه اول» و «در درجه اول اهمیت»

«اثر جاودانی» نیز از اصطلاحات ترجمه است

En premier lieu در درجه اول

آنچه برای ما در درجه اول اهمیت واقع است خود شخصیت شعری و عرفانی حافظ و اثر جاودانی اوست (مقام حافظ ص ۸ از استاد همایی). اما از این نکته نمی توان نتیجه گرفت که بیان اعتبار و ارزش چندانی ندارد یا در درجه دوم اهمیت است (مجله سخن سال هفتم شماره نهم ص ۸۳۴ مقاله دکتر خالری)

تحت طبع و زیر چاپ:

این کتاب عظیم که نخستین دائرة المعارف زبان فارسی است از چند سال بدین طرف به خرج دولت

تحت طبع است (سخن شماره ۱ سال هفتم ص ۹۳ مقاله دکتر خالری).

Remarquable قابل توجه:

گاهی قطعات مطبوع انشائی نیز در این گونه کتب ملاحظه می شود که قابل توجه است (گنجینه سخن ج ۱ ص ۱۶۹ از دکتر صفای).

Etre au courant de در جریان بودن

پادشاهان زمان خصومتاً سلاطین سلجوقی نیز علوم انسانی را در ایران ج ۳ ص ۱۴۱ تألیف دکتر صفای).

Temps doré Golden age فر دوره طلایی:

چون گشت از نو زمانه آزاد

ای کودک دوره طلایی

(دهخدا)

دستگاه تبلیغاتی :

و برای جلب عامه دستگاه تبلیغاتی مرتبی بوجود آوردند (با کاروان حله ازدکتر زرین کوب ص ۶۶).

افق نظر :

فرهنگ و ادب یونان . . . افق نظر آنها را توسعه بخشید (نقد ادبی ص ۲۷۹).
برای او که خاطره قهرمانیهای محمودزاهدنوز در پیش چشم می داشت . . . (با کاروان حله ص ۷۰).

وارد بحث شدن :

می توانیم به بحثی که در اینجا مورد نظر ماست وارد شویم (مجله سخن مرداد ۱۳۳۴ سال ششم ص ۴۷۳ نوشته دکتر خانلری).

در رأس چیزی قرار داشتن :

سخنوران فارس یعنی غزلسرایان بزرگ قریهای هفتم و هشتم که سعدی و حافظ در رأس آنها قرار دارند (دکتر خانلری مجله سخن شماره ۷ سال پنجم ص ۴۹۶).

بعضی از موارد :

در بعضی از موارد شاعر می تواند از میزان اصلی وزن تجاوز کند (مجله سخن سال پنجم شماره هفتم ص ۴۹۷ مقاله دکتر خانلری).

فوق الذکر : Sus-mentionné

علاوه بر عوامل و اسباب فوق الذکر بدیهه گویی را امرای و سلاطین خیلی پسند می کردند (شعر العجم شبلی نعمانی ص ۱۱۱ ج ۲ ترجمه فخر داعی).
و از این قبیلست این اصطلاحات :

سیر تدریجی (تاریخ ادبیات در ایران ص ۳۲۷ شدت عمل (همان کتاب ج ۳ ص ۴۳ چاپ اول) فقر عمومی (همان کتاب ص ۷۷).

محکوم کردن به معنی مجازی :

زبان آوریهای تملق آمیز شاعران را لغو و عبث می شناسد و محکوم می کند (با کاروان حله ص ۸۰).
چاپ اول).

شرایط نامساعد :

اگر از فردی که تحت شرایط نامساعدی زیسته جرمی سرزند مقصر جامعه است (فرهنگ اشعار حافظ تألیف دکتر احمد علی رجایی ص ۲۳ ، مقدمه)

عمق اشیاء :

اصلاً نمی خواهند در عمق اشیاء تأمل کنند (با کاروان حله ص ۷۶).

تحت تأثیر :

پوست باز کرده باید بگوید که من بنده را در آغاز امر تحت تأثیر اطلاعاتی که بعداً دانسته شد

معطوف داشتن توجه :

از اواسط قرن هجدهم منابع و ذخائر شرق توجه جهانجویان اروپا را به خود معطوف داشته بود (نقد ادبی ص ۱۸۵ چاپ اول).

برای عدم اطلاع استوار است (همان کتاب ص ۱۴ ،
مقدمه).

تحت اشغال :

ایران تحت اشغال حکام عرب بود (همان کتاب
ص ۱۷ ، مقدمه).

تأثیر ترجمه در شعر فارسی - شعرای ما بسیاری
از اشعار و عبارات عربی و فرنگی را به شعر فارسی
در آورده اند. مانند :

گفت پیغمبر که احمق هر که هست

او عدوی ما و غول ورهزست

(مولوی)

که ترجمه حدیث «العافل صدیقی والاحمق عدوی»
است.

آسمان بار امانت نتوانست کشید

قرعه کار به نام من دیوانه زدند

(حافظ)

که ترجمه این آیه است : «انا عرصنا الامانة علی-
السموات والارض والجال». و دهها شعر دیگر
مانند :

گفت پیغمبر که چون کوبی دری

عاقبت ز آن در برون آید سری

(مولوی)

گفت پیغمبر به آواز بلند

با توکل زانوی اشتر بیند

(مولوی)

علاوه بر این بسیاری از تعبیرات و تشبیهات
شاعرانه فارسی از عربی ترجمه شده اند مانند دختر
رز ، داس مه نو ، خنده جام و دهها مانند آن .

بهمقابلة نگارنده تحت عنوان «تقلید و ابداع
در تشبیهات و استعارات حافظ» که جزء «مجموعه
مقالات درباره حافظ» بوسیله دانشگاه پهلوی چاپ شده
است ، نگاه کنید .

در زمان ما نیز بسیاری از شاعران مانند دکتر
حمیدی ، دکتر خانلری ، نادرپور ، پروین اعتصامی ،
بهار و حسن هنرمندی اشعار اروپایی را به شعر فارسی
در آورده و با تحت تأثیر آن اشعار شعر سروده اند
مانند عقیاب خانلری و زورق مست هنرمندی که
ترجمه است از شعر رمبو.

اینگ چند نمونه دیگر از تأثیر ترجمه در شعر
فارسی :

جرعه برخاک همی ریزیم از جام شراب

با جوانمردی بسیار بود چون نبود

خاک را از قدح مرد جوانمرد تحسب

(منوچهری ص ۶ چاپ ۱۳۱۸)

اگر شراب خوری جرعه ای فشان برخاک

از آن گناه که نفعی رسد به غیر چه باک

(حافظ)

شکوه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

متأثر از

شربنا و اهرقنا علی الارض فضله

والارض من کاس الکرام نصیب

و این عبارت در بسیاری از اشعار فارسی تأثیر کرده است.

بالسهر والحمی (حدیث نبوی). حال مؤمنان در دوستی و ابراز رحمت بایکدیگر مانند پیکر انسانست که چون عضوی از آن بدنه آید باقی اعضای آن پیکر بایبخواهی و لب با آن عضو همدردی می کند :

بنی آدم اعضای یک دیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

(سعدی)

از بررسی این یادداشتها درمی یابیم که وجود دهها هزار اصطلاح ترجمه‌ای در فارسی نشان می‌دهد که آینده زبان ما در دست ترجمه‌گر است زیرا این تعبیرات بر اثر نیاز روزافزونی که ما به غرب و علوم و فنون آن داریم بیشتر و بیشتر خواهد شد. باری تأثیر ترجمه در زبان فارسی امروز تا به حدیست که زبان ترجمه عملاً به صورت زبان ستجیده و معیار (زبان استاندارد) درآمده است و رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها هر روز این زبان را بیشتر ترویج میکنند حال که چنین است چرا ما زبان خود را به زیر دست نیمه مترجمان و اندک مایگان رها سازیم ؟ چرا صدها ترجمان زیر دست تربیت نکنیم که زبانی بهتر از آنچه فعلاً هست به مردم عرضه نمایند ؟ چرا کسانی را که بتوانند اخبار و کتابها و مقالات علمی را با زبانی پاکیزه برای ملت ایران ترجمه کنند بکار نگماریم ؟ برای این کار مهم باید با استعدادترین جوانان را برای فرا گرفتن رشته ترجمه که در این کشور به شکل صحیح و پیش رفته‌ای تدریس نمی‌شود به دیار دیگر بفرستیم

ما خلقنا السموات والارض وما بينهما لا عین

جهان را نه بر بیهده کرده اند

ترا تری بی بازی آورده اند

خرا میدن لاجوردی سیهر

همان گرد گردیدن ماه و مهر

مبتدار کر بهر بازیگریست

سراپردای اینچنین سر تربیت

التصح عند الملا تقریب

هر نصیحت که بر ملا باشد

آن نصیحت به جز فضیحت نیست

تدارك فی آخر العمر ما فاتك فی اوله

به ظهارت گذران منزل پیری و صیقل

خلعت شیب چو تشریف شیب آلوده

(حافظ)

کفران النعمه مزایها

شکر نعمت نعمت افزون کند

کفر نعمت از کفت بیرون کند

(مولوی)

مثل المؤمنین فی توادهم وتراحمهم وتعاطفهم

مثل الجسد اذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر اعضاء

و علاوه بر این، این رشته را در مدارس عالی خود توسعه دهیم و برای کلاسهای ترجمه خود استادان متخصص خارجی استخدام کنیم زیرا ما در ایران یا استادان متخصص ترجمه نداریم و یا اگر داشته باشیم، اندکند. معلمان کلاسهای ترجمه ما بیشتر معلم زبان خارجه اند نه معلم ترجمه و ما نباید معلم این دو رشته را یکی بدانیم و نباید تعلیم زبان خارجی و ترجمه را یکی فرض کنیم. و چون سر نوشت زبان فارسی بدست ترجمه گرانست باید خبرگان و کار آمدان این گروه را با حقوق کافی در رادیو و تلویزیون و روزنامه های پراستشار، به کار گماریم زیرا زبان این مؤسسات غول آسا، بیش از هر زبانی در گفته و نوشته مردم اثر می گذارد.

باید تأکید کنم که ترجمه برای زبان ما برای زبان کشورهای جهان سوم نقشی اساسی و حیاتی دارد و این نکته است که سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد نیز آن را گوشزد کرده است اگر ما نزد زبان داریم و اگر به سر نوشت زبان فارسی که پامالیت است همزاد است علاقه مندیم باید حداقل هزار مترجم خوب برای رشته های مختلف علمی و فنی و ادبی و هنری و خبری تربیت کنیم آنگاه می توانیم بگوییم که کاری برای زبان ملی خود کرده ایم. در غیر این صورت هجوم زیاد از حد لغات بیگانه و رواج ترجمه های نارسا و ناقص و نامطلوب به زبان ما آسیب فراوان خواهد رسانید و آنرا به راهی دیگر سوق خواهد داد تا جایی که درك زبان امروز برای نسل بعد ممکن نخواهد بود بخصوص اگر ترجمه نارسا و بد باواژه سازی ناساز و غیر علمی توأم باشد.

نتیجه دیگری که از این مقاله به دست می آید اینست که ترجمه تحت اللفظی ممکن نیست و هر ترجمه ای کم و بیش رنگی از آزادی دارد زیرا به گفته زبان شناسان موزاییک دو زبان کاملاً بهم منطبق نیست و ترجمه اگر صیغای از آزادی نداشته باشد ترجمه ای موفق نیست و در این رساله هم دیدیم که یک کلمه گاهی بایک گروه ترجمه می شود و گاهی با یک جمله و دیدیم که یک پیشوند گاهی با یک اسم ترجمه می گردد و گاهی با کلمه ای دیگری که بعد از آن می آید. و مترجم امین و دقیق کسی نیست که تحت اللفظی ترجمه کند زیرا این کار عملی نیست بلکه کیست که کلمات و گروهها و جمله ها را با دقتی هر چه بیشتر به فارسی برگرداند، اگر چه برای این کار لازم آید که پسوندی را تبدیل بدیشوند یا جزء پیشین کند یا برعکس و اگر چه لازم باشد یک کلمه را با دو یا چند کلمه و یا یک جمله ترجمه نماید.

مجموعه کتب علمی و مطالعات فرهنگی
مجموع علوم انسانی